

کاری از مؤسسه تخصصی خطابه امیر بیان

سخنرانی چند رسانه ای

دشمن

قرار است وجدان‌ها را برای درک
زشتی بی تفاوتی بیدار کنیم
و انسان‌ها را علیه ظلم بشورانیم

مجید دهقان بلیانی
سعید منیری







سخنرانی چند رسانه‌ای

بی‌طرف

قرار است وجدان‌ها را برای درک
زشتی بی‌تفاوتی بیدار کنیم و
انسان‌ها را علیه ظلم بشورانیم

کاری از:

مؤسسه تخصصی خطابه امیر بیان

جهت دانلود اسلایدهای این کتاب، به کانال
هم‌قلم در پیام‌رسان ایتا مراجعه نمایید.

<https://eitaa.com/Hamghalam>



سخنرانی چندرسانه‌ای

بی‌طرف

قرار است وجدان‌ها را برای درک زشتی بی‌تفاوتی بیدار کنیم و انسان‌ها را علیه ظلم بشورانیم

● به سفارش: اداره کل امور مبلغین سازمان تبلیغات اسلامی ●

● کاری از: مؤسسه تخصصی خطابه امیر بیان ●

● پژوهشگران: مجید دهقان بلیانی، سعید منیری فسخودی ●

● ویراستار: حسین حبیبی فهیم ●

● مدیر هنری: محمد صادق صالحی ●

● نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۳ ●

● شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه ●

● قیمت: ۹۵,۰۰۰ تومان ●



موسسه تخصصی خطابه امیر بیان - سازمان تبلیغات اسلامی - مرکز پژوهش کتب شبکه ملی «هم قلم»

سامانه شمع

shabaketabligh.ir

مرکز پخش کتب شبکه ملی «هم قلم»

آدرس: قم، بلوار امین، کوچه ۸، فرعی سوم، پلاک ۲

ایتای اداره راهبری: rahbary_mohtava - https://eitaa.com/rahbary_mohtava

شماره تماس: ۰۲۱۹۱۳۰۰۱۳۲۲، داخلی ۴



جهت خرید و دانلود پاورپوینت

برای عضویت در کانال «هم قلم»



فهرست

مقدمه

انگیزه‌سازی

- ۱۵ نقشی بر سرِ درِ سازمان ملل
۲۱ یک حقیقت وجدانی

اقتناع‌اندیشه

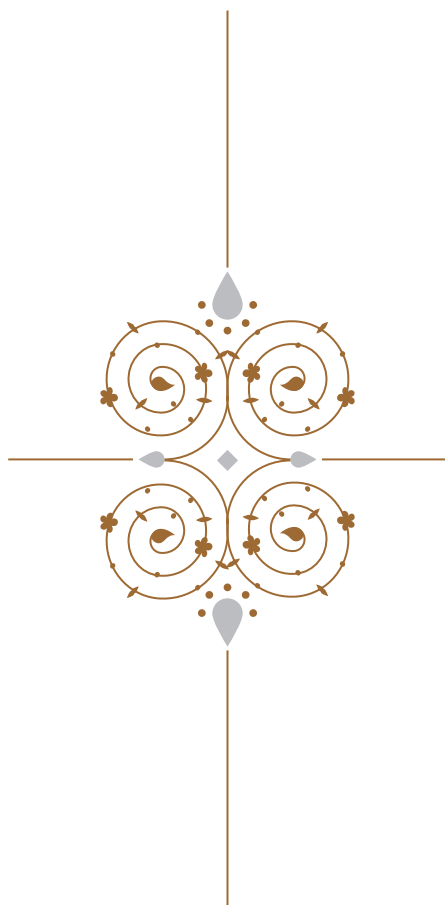
- ۲۵ بی‌تفاوتی افراد در جامعه
۲۷ مسئولیت‌پذیری یک قهرمان
۳۰ بی‌تفاوتی دولت‌ها
۳۵ بی‌تفاوتی سازمان ملل
۳۶ همه مسئولند

تحریک احساس

- ۴۱ پیامد بی‌طرفی، جرئت یافتن زورمداران بر جنایت
۵۴ داستان غم‌انگیز فلسطین
۶۲ افتخار ما
۶۷ پاسخ به شبههٔ «چراغی که به خانه رواست...»
۷۲ دلایل کمک ایران به مسئلهٔ فلسطین

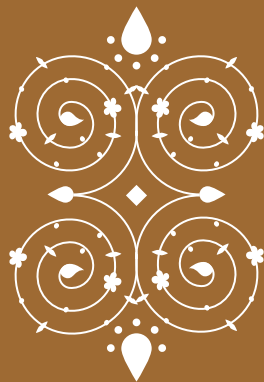
رفتارسازی

- ۷۷ راه‌حل
۸۰ راه‌های کسب قدرت



The background is a solid brown color. A central white banner with a pointed right edge contains the word 'مقدمة' in brown Arabic script. Above and below the banner are symmetrical decorative elements. Each element consists of two circular motifs, each containing a stylized eye and a flower, with arrows indicating a clockwise flow. These are flanked by small white diamonds. Radiating from the central area are numerous thin white lines, each ending in a small white dot, creating a sunburst or starburst effect.

مقدمة





سال‌ها بود که در فکر تولید یک سخنرانی در راستای دفاع از مردم مظلوم فلسطین بودم. کشوری که بیش از یک قرن است دچار بیماریِ بدخیم و مسریِ صهیونیست شده و هر روز دل انسان‌های آزاده را آزرده می‌کند.

مقام معظم رهبری حفظه الله می‌فرمایند:

بزرگ‌ترین مصیبتی که در تاریخ معاصر با دسیسه‌های استعمار بر امت اسلامی وارد شده، اشغال فلسطین و قدس شریف است.^۱

یا در سالگرد ارتحال حضرت امام رحمة الله علیه فرمودند:

مسئله فلسطین مسئلهٔ اول دنیا است.^۲

همواره خود را سرزنش می‌کردم که چرا در طی ۱۸ سال فعالیت تبلیغی در کسوت روحانیت به این امر مهم آن طور که باید نپرداخته‌ام.

۱. بیانات در سومین کنفرانس حمایت از حقوق مردم فلسطین، ۱۳۸۵/۱/۲۵.

۲. بیانات در مراسم سی‌وپنجمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی رحمة الله علیه، ۱۴۰۳/۳/۱۴.

اتفاقی که در یکی از مساجد در ماه مبارک رمضان برای من افتاد انگیزه‌ام را برای دست‌به‌قلم شدن افزایش داد. یکی از روزهای ماه رمضان بعد از نماز ظهر و عصر به صورت ایستاده شروع به صحبت در مورد فلسطین کردم و اینکه ما موظفیم در هر زمینه‌ای که برایمان امکان دارد به این مظلومین کمک کنیم و برای نابودی هر چه زودتر صهیونیسم تلاش نماییم.

تعدادی از نمازگزاران در مقابل این طرح بحث موضع منفی گرفتند و در مورد اولویت داشتن حلّ مسائل خودمان صحبت کردند و بر این نظر خود پافشاری می‌کردند. عده‌ای هم بی‌طرف بودند و نه در تأیید و نه در ردّ به هیچ وجه وارد نشدند. در نتیجه این بی‌طرفی عمده نمازگزاران، بحث چالشی شد و تقریباً سه روز از مباحث سخنرانی را به خود اختصاص داد.

این اتفاق واقعاً روحم را آزرده و تصمیم گرفتم برای آگاهی مردم در قضیه فلسطین کاری شایسته انجام دهم.

طوفان الاقصی نیز انگیزه کار در این رابطه را افزایش داد و به این ترتیب در ماه مبارک رمضان ۱۴۰۳ کار شروع شد.

تصمیم گرفتیم کار را به صورت چند رسانه‌ای تولید کنیم تا هم جذابیت بیشتری داشته باشد و هم تأثیرگذاری و ماندگاری بالاتری ایجاد کند.

در این قسمت اولاً نیاز بود که ایده پردازی شود و با اعمال روش‌های آماده‌سازی منبر شاکله بحث تولید شود. سپس پرورش بحث انجام شد و متناسب با متن تولید شده اسلایدها در قالب پاورپوینت ساخته شدند.

در قسمت ساخت پاورپوینت برادر عزیزم جناب حجت الاسلام آقای سعید منیری کار ساخت را شروع کردند و ناظر به متن، پاورپوینت را تنظیم کردند و انصافاً این کار را به زیبایی و حرفه‌ای به سرانجام رساندند. همچنین از نظرات مشورتی ایشان در تولید متن هم بهره لازم را بردم.

آنچه در این کتاب به آن پرداخته‌ایم این است که بی‌طرفی و بی‌تفاوتی یکی از بزرگ‌ترین گناهای است که فرهنگ مادی غرب به مردم دنیا هدیه کرده است. حاصل این بی‌طرفی افزایش جرم و جنایت در جامعه و بدتر از آن، حکومت قانون جنگل در سطح بین‌المللی است؛ به گونه‌ای که کشورهای زورمند و قلدر برای تأمین منافع خود جرئت دارند کشورهای ضعیف را غارت کنند یا اساساً کشوری را غصب کرده و مردمش را اخراج کنند! مثل کشور تاریخی فلسطین که بیش از ۱۰۰ سال است در سایه سکوت مرگبار بین‌المللی پذیرای یهودیان از یک طرف و کشتار و آواره‌کردن فلسطینیان از طرف دیگر توسط رژیم غاصب و نامشروع صهیونیست است.

در این میان کشور ایران مفتخر است که همواره از مردم فلسطین حمایت کرده و با فریادهای دادخواهانه خود نگذاشته که گرد فراموشی بر چهره این ظلم خانمان سوز پاشیده شود. وجدان بیدار ایرانیان را اسلام درخشان‌تر کرده به گونه‌ای که نمی‌تواند بی‌طرف بماند و نه تنها صهیونیسم را محکوم کرده، ندای مرگ بر حامیان اسرائیل را نیز سر داده است؛ اما برای اینکه بتواند در این عرصه پشت ظلم را به زمین بزند و بشکند نیاز به قدرت دارد.

اقتدار ایران با اتصال به خدا و علم و فن آوری تأمین می شود و مخصوصاً پشتوانه مردمی او را همچون کوهی استوار مقاوم می کند تا اجتماع مردم بتواند جلب عنایت الهی را کرده پیروزی حاصل گردد. ان شاء الله.

از برادران عزیزم جناب حجت الاسلام ابراهیم ابراهیمی و حجت الاسلام روح الله معینی نیز تشکر می کنم که با نظرات دقیق خود در تولید این سخنرانی سهیم بودند.

در پایان لازم می دانم از برادر بزرگوار حجت الاسلام محمدتقی وکیل پور مدیر موسسه تخصصی امیربیا تشکر ویژه داشته باشم که با تأکید بر تولید سخنرانی پیرامون فلسطین و پیگیری های خود در به ثمر رسیدن این اثر نقش اساسی داشتند.

این تلاش را هدیه می کنیم به تمام مظلومان عالم به خصوص به کودکان مظلوم فلسطینی و امیدواریم به زودی زود با نابودی اسرائیل طعم خوش زندگی ای آرام و نشاط بخش را در سایه امنیت و آزادی بچشند و این اثر مایه چشم روشنی مان در دنیا و آخرت شود. ان شاء الله.

مجید دهقان بلیانی

خرداد ۱۴۰۳

ایام الله دهه ولایت







انگیزه‌سازی

نقشی بر سرِ درِ سازمان ملل

کدام جمله معروف فارسی بر
سرِ درِ سازمان ملل نقش بسته؟



کدام جمله معروف فارسی بر سرِ درِ سازمان ملل نقش بسته
است؟

احسنت! همین ابیات معروف جناب سعدی، شاعر شیرین‌سخن
بین‌المللی است که می‌گوید:



بنی آدم اعضای یک پیکرند
 که در آفرینش ز یک گوهرند
 چو عضوی به درد آورد روزگار
 دگر عضوها را نماند قرار
 تو کز محنت دیگران بی غمی
 نشاید که نامت نهند آدمی

همیشه مباحثات می کردیم و احساس غرور داشتیم که از بین این
 همه کشور و انسان های بزرگ، جمله ای از سعدی شیرازی که امام
 خمینی رحمه الله در مورد او فرمودند:

۱. حجت الاسلام عبدالکریم بی آزار شیرازی، از شاگردان حضرت امام رحمه الله در کتاب خاطرات خود آورده است: به یاد دارم چند ماه پیش از رحلت امام خمینی رحمه الله، یک روز صبح حجت الاسلام رسولی محلاتی، رئیس دفتر حضرت امام به بنده زنگ زد و گفت: حضرت امام خواستار دیوان سه جلدی سعدی هستند؛ شما می توانید برایشان پیدا کنید؟ گفتم با کمال میل؛ اما چرا سه جلدی، نه تک جلدی؟ اظهار داشت که امام می خواهند مجلدات کم حجم باشد تا بتوانند در قدم زدن های روزانه آن را با خود ببرند و به آسانی آن ها را مطالعه کنند. همان روز برایشان تهیه کردم و فرستادم. (حکومتی بر اساس اخلاق، ص ۱۹۵)

خوانش و دقت در بازتاب اشعار و ادبیات سعدی در آثار امام خمینی رحمه الله نشان می دهد که تنها اخلاق، عرفان و بعد فلسفی و تعبدی سعدی، و یا زیبایی های ادبی و هنری او در شعر، تنها دلیل گرایش نبوده است؛ بلکه کنشگری اجتماعی و روحیه انقلابی گری و اعتراضی سعدی به وضعیت زمانه خود که از محتوای آثارش هویداست، راز ارادت و تعلق خاطر امام خمینی رحمه الله به او بوده است. (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، دفتر قم، محمد رجائی نژاد)

شاعر اگر سعدی شیرازی است
بافته‌های من و تو بازی است^۱
بر سردر سازمان ملل حک شده است.



همان شاعری که وقتی می‌خواهد منتهای عشق و عاشقی را به
تصویر بکشد، می‌فرماید:

سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی
عشق محمد بس است و آل محمد^۲

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱۶۶.

۲. سعدی، بوستان، باب چهارم، در تواضع.

جبار در مناقب او گفته هل آتی
در یکدگر شکست به بازوی لافتی
تا پیش دشمنان ندهد پشت بر غز
جانبخش در نماز و جهان سوز در وعا
لشکرکش فتوت و سردار اتقیا
ماییم و دست و دامن معصوم مرتضی
وینان ستارگان بزرگند و مقتدا
یا رب به نسل طاهر اولاد فاطمه
یا رب به آب دیده مردان آشنا
ای نام اعظمت در گنجینه شفا

کس را چه زور و زهره که وصف علی کند؟
زور آزمای قلعه خیبر که بند او
مردی که در مصاف، زره پیش بسته بود
شیر خدای و صفدر میدان و بحر جود
دبیاچه مروت و سلطان معرفت
فردا که هر کسی به شفیعی زنند دست
پیغمبر آفتاب منیر است در جهان
یا رب به نسل طاهر اولاد فاطمه
یا رب به صدق سینه پیران راستگوی
دل‌های خسته را به گرم مرهمی فرست



لذا این ابیات زیبایی او، حکایت از کلام معشوقش امام صادق علیه السلام دارد که فرمود:

«لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا أَبَدًا حَتَّى يَكُونَ لِأَخِيهِ مِثْلَ الْجَسَدِ
إِذَا ضَرَبَ عَلَيْهِ عِرْقٌ وَاحِدٌ تَدَاعَتْ لَهُ سَائِرُ عُرُوقِهِ»^۱

مؤمن، مؤمن نیست تا این که با سایر مؤمنان مثل
اندام‌های یک پیکر باشد، که اگر یک رگش ناراحتی پیدا
کرد، سایر رگ‌ها به خاطر آن به جنب و جوش می‌افتند.



**آیا واقعا این
جمله بر سر در
سازمان ملل
نصب شده؟**

**چرا این شایعه
این قدر فراگیر شد؟**

اما جالب است بدانید که چنین جمله‌ای هیچ وقت بر سر در سازمان ملل نقش نبسته است! و تنها اثری که می‌توان از این شعر در سازمان ملل یافت، مربوط به نصب یک تابلو فرش روی دیوار اصلی سازمان ملل است که در سال ۱۳۸۳ شمسی از طرف ایران به سازمان هدیه داده شده و این ابیات زیبا روی آن فرش نقش بسته است.

این مطلب چند سال پیش از شبکه خبر هم پخش شد و کامران نجف‌زاده (خبرنگار صدا و سیما در نیویورک) گزارشی در همین زمینه ارائه کرد که با جست وجود در اینترنت، در دسترس است.

پس چرا این شایعه این قدر فراگیر شد؟! چرا چیزی که حقیقت ندارد، در باور عموم نشست؟ شاید یکی از دلایلی که باعث شد همه ما این شایعه را باور کنیم، مضمون کاملا انسانی این ابیات باشد و تناسب بی‌مانندش با نصب بر سر در سازمانی که وظیفه و فلسفه وجودی‌اش جلوگیری از تضییع حقوق ملت‌هاست.^۱

۱. جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸) با آثار مخرب بی‌سابقه‌ای که بر جای گذاشت، از بزرگ‌ترین رویدادهای تلخ تاریخ بشر است. پاپ «بنوای پانزدهم» اولین بار در سال ۱۹۱۷ میلادی (۱۲۹۶ش) و در میانه جنگ جهانی اول، نظریه تشکیل جامعه ملل را مطرح کرد. در نهایت، در سال ۱۹۱۸ میلادی (۱۲۹۷ش) رئیس جمهوری وقت ایالات متحده آمریکا برنامه صلح ۱۴ ماده‌ای را ضمن ایراد سخنرانی خود در کنگره آن کشور مطرح کرد که آخرین ماده آن مربوط به تشکیل

«جامعه ملل» بود. جامعه ملل در دوران فعالیت خود، در حل برخی اختلافات بین‌المللی، مانند اختلاف سوئد و فنلاند بر سر جزایر «آلاند» موفق بود. با توجه به این‌که جامعه ملل نتوانست از شروع جنگ و درگیری‌ها و خسارات و خون‌ریزی‌های جنگ جهانی دوم جلوگیری کند، پس از جنگ، فاتحان آن تصمیم گرفتند که نهادی تأسیس کنند تا عملکردی مانند جامعه ملل داشته باشد و درعین حال ضعف‌های آن را نداشته باشد و وظیفه‌اش تأمین امنیت و صلح بین‌المللی باشد. از کشورهای آمریکا، شوروی، بریتانیا، فرانسه و چین، نمایندگانی در کنفرانس «دامبارتن اوکس» در آمریکا روی برنامه‌های تشکیل سازمان ملل کار کردند. بیشتر بحث‌های این کنفرانس در مورد نقش اعضای سازمان و شرایط دعوت از آن‌ها بود. در طول چهار سال، سرانجام سازمان ملل متحد در ۲۴ اکتبر سال ۱۹۴۵ میلادی (۱۳۲۴ش) پایه‌گذاری شد که مقر اصلی آن شهر نیویورک است. هزینه این سازمان از طریق پرداخت حق عضویت اعضا و بیشتر از طریق کمک‌های داوطلبانه تأمین می‌شود.

در سازمان ملل، تمام کشورهای عضو می‌توانند در تصمیم‌گیری‌های مجمع عمومی اظهار نظر و در رأی‌گیری‌ها شرکت کنند. مؤثرترین و قوی‌ترین نهاد این سازمان «شورای امنیت» است که پنج عضو دائمی آن عبارت‌اند از: آمریکا، انگلستان، فرانسه، روسیه و چین. آن‌ها می‌توانند تصمیمات این شورا را وتو کنند. ریاست شورای امنیت هم نوبتی است و مدت آن یک ماه است. مجمع عمومی ۱۰ عضو انتخابی شورا را از میان حدود ۱۹۳ عضو سازمان و برای دوره‌ای دوساله انتخاب می‌کند. هر سال، پنج عضو جدید جایگزین اعضای قدیمی‌تر می‌شوند. ایران تا به حال فقط یک دوره دوساله عضو شورای امنیت بوده است.

سازمان ملل متحد، سازمان‌های تخصصی هم دارد که به صورت مستقل کار می‌کنند؛ هرچند تعدادی از آن‌ها قبل از تشکیل سازمان ملل هم وجود داشته‌اند. این سازمان‌ها در زمینه‌های گوناگون فعالیت دارند؛ از جمله سازمان جهانی «یونسف»، سازمان تجارت جهانی، سازمان بهداشت جهانی، سازمان جهانی گردشگری و... که در کشورهای مختلف تأسیس شده‌اند. نکات مهم و اساسی درباره سازمان ملل متحد چنین است:

سازمان ملل متحد در آغاز به‌عنوان اتحادی در زمان جنگ در اول ژانویه سال ۱۹۴۲ میلادی در نظر گرفته شد و به‌عنوان سازمانی بین‌المللی در ۲۴ اکتبر ۱۹۴۵ میلادی (۲۱ آبان ۱۳۴۲) تأسیس شد. در گرامی‌داشت ایجاد این سازمان، روز ملل متحد همه ساله در ۲۴ اکتبر در جهان جشن گرفته می‌شود. سازمان ملل متحد چهار هدف دارد: ۱. حفظ صلح و امنیت بین‌المللی؛ ۲. توسعه روابط دوستانه میان ملل؛ ۳. همکاری در حل مشکلات بین‌المللی و ترویج احترام به حقوق بشر؛ ۴. ایجاد مرکزی برای هماهنگ کردن اقدامات ملت‌ها.

بیش از ۳۳ سازمان وابسته، به همکاری در این راستا مشغولند. آن‌ها در مجموع با عنوان «نظام ملل متحد» شناخته شده‌اند و همگی در زمینه‌های خاص خود به کار می‌پردازند. سازمان ملل متحد، دولتی جهانی نیست؛ با این حال، راه‌هایی برای حل درگیری‌های بین‌المللی و تدوین سیاست‌های حاکم بر مسائل تأثیرگذار به همه ما ارائه می‌دهد. سازمان ملل متحد مجمعی است که همه کشورهای در آن‌جا با هم دیدار می‌کنند تا به بحث و تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل در عرصه‌هایی چون: حقوق بشر، تجارت بین‌المللی، دریاها و مبارزه با تروریسم بپردازند. سازمان ملل متحد و کارگزاری‌های آن، انجام هزاران طرح در سراسر جهان، از قبیل: کمک به پناهندگان، مبارزه با ایدز، گسترش تولید مواد غذایی و ارائه کمک پس از وقوع بلایای طبیعی را بر عهده می‌گیرند. نظام ملل متحد برای ترویج احترام به حقوق بشر، کاهش فقر، مبارزه با بیماری و حفاظت از محیط زیست فعالیت می‌کند. سازمان ملل متحد فعالیت‌های بین‌المللی در مبارزه با قاچاق مواد مخدر و تروریسم و همچنین از بین بردن

یک حقیقت وجدانی

چه بر سر در سازمان ملل
چه بر دیوار سازمان ملل
مهم این است:
توکز محنت دیگران بی غمی
نشانید که نامت نهند آدمی



به هر حال چه این جمله بر سر در سازمان ملل نصب شده باشد و چه بر تابلو فرش بر دیوار آن نقش بسته باشد، فرقی نمی‌کند؛ مهم مضمون انسانی و وجدانی آن شعر است که بر دل هر انسان با انصافی می‌نشیند.

توکز محنت دیگران بی غمی
نشانید که نامت نهند آدمی
وقتی انسان دنیایی را تصور می‌کند که همه به فکر هم هستند و به دنبال گره‌گشایی از هم نوعانشان می‌دوند، حال خوبی پیدا می‌کند.

بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست
بگشای لب که قند فراوانم آرزوست
ای آفتاب حسن، برون آدمی ز ابر
کان چهره مشعشع تابانم آرزوست^۱

خشونت علیه زنان و حفاظت از اکوسیستم‌های طبیعی را رهبری می‌کند. در سازمان ملل متحد، تمام کشورهای عضو از بزرگ و کوچک، غنی و فقیر، با دیدگاه‌های سیاسی و نظام‌های اجتماعی مختلف، از حق اظهار نظر و رأی در تصمیم‌گیری‌های مجمع عمومی برخوردارند. (منبع: محمد مهدی سیدناصری، آشنایی با سازمان ملل متحد به زبان ساده)

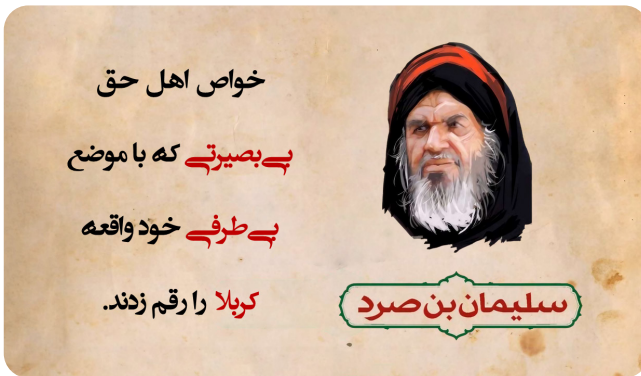
۱. مولوی، دیوان شمس، غزل ۴۴۱.

در نقطهٔ مقابل، وقتی دنیایی را در ذهنمان مرور می‌کنیم که پر از بی‌تفاوتی‌ها و بی‌طرفی‌هاست، چقدر دلگیر می‌شویم.

جانم ملول گشت ز فرعون و ظلم او

کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست^۱

کدام گناه بزرگ‌تر از بی‌طرفی و بی‌تفاوتی است؟! مخصوصاً وقتی یک انسان مکتبی باشید که مقصد و مقصودی دارید و تمام تلاشتان، به سعادت رساندن انسان‌هاست و در مسیر حرکت، با موانع و دشمنانی برخورد می‌کنید، با دیوان و ددان و فرعون‌ها و نمرودها مواجه می‌شوید، و نیاز به کمک مردم بامسئولیت دارید درد بی‌طرفی و بی‌تفاوتی را با تمام وجود می‌چشید.



همچون مسلم؛ زمانی که مسلم بن عقیل علیه السلام برای انجام مسئولیتی که از طرف امام حسین علیه السلام به عهده داشت وارد کوفه

۱. مولوی، دیوان شمس، غزل ۴۴۱.

شیر خدا ورستم دستانم آرزوست
آن نور روی موسی عمرانم آرزوست
کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست

زین هم‌رهان سست عناصر دلم گرفت
جانم ملول گشت ز فرعون و ظلم او
دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر

شد نیاز به مدد افراد مؤثری مثل سلیمان بن صرد خزاعی داشت؛ اما متأسفانه این عالمی که جزء خواص اهل حق بود با بی‌بصیرتی خود در مورد کمک کردن به مسلم، موضع بی‌طرفی گرفت و در نتیجه سرنوشت غم‌انگیز کربلا را رقم زد. هر چند عاشق اربابش حسین علیه السلام بود.



اینجاست که دوست دارید گناه بزرگ بی‌طرفی را فریاد بنزید.



اقتناع اندیشه

در اینجا مخاطب باید قانع شود که در برابر ظلم ظالمان و رهاکردن
مظلوم، نباید بی طرف و بی تفاوت باشیم.

بی تفاوتی افراد در جامعه



مدتی پیش فیلمی از یک فروشگاه می دیدم که خریدار بعد از خرید
و در حال خروج از فروشگاه، غش کرد و روی زمین افتاد و مردم به جای

این‌که به او کمک کنند یا با اورژانس تماس بگیرند، خیلی بی تفاوت از کنارش رد می‌شدند و عده‌ای هم فقط چند لحظه نگاه می‌کردند و می‌گذشتند!

یا فیلم حمله یک مرد به زنی در یکی از خیابان‌های آمریکا، که جلوی چشم مردم به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفت و افراد حاضر فقط نگاه می‌کردند و یا فیلم می‌گرفتند. صحنه عجیب و غم‌انگیزی بود. وحشی‌گری آن مرد و بی‌خیالی و آرامش مردم نظاره‌گر این اتفاق. احساس نفرت از آن مردمی که بی‌خیال و بی‌تفاوت به ماجرا نگاه می‌کردند، بیش از نفرت نسبت به آن مرد است.

چطور یک انسان این قدر بی تفاوت می‌شود؟! کدام نسخه تربیتی، چنین انسان‌هایی را تحویل می‌دهد که غمشان فقط غم نان و آب و لذات خودشان است و بس؟ اگر یک جست‌وجوی ساده در اینترنت و فضای مجازی داشته باشید، از این نوع بی‌طرفی‌ها و بی‌تفاوتی‌ها بسیار می‌بینید که معمولا در کشورهای به اصطلاح متمدن غربی، بیشتر و رقت‌بارتر است. این‌ها فقط اندکی از بی‌شمار مواردی است که به‌طور تصادفی از دریچه دوربین‌های مدار بسته کوچه و خیابان منتشر می‌شود. البته نمی‌خواهم بگویم همه غربی‌ها همیشه بی‌تفاوت‌اند، بلکه فرهنگ غالب را می‌گوییم. مقام معظم رهبری علیه السلام می‌فرمایند:

«رفتار اجتماعی و سبک زندگی، تابع تفسیر ما از زندگی

است»^۱.

برخورد ما در مقابل چنین حوادثی چگونه است؟ اگر یک مرد مریض و بی‌شرقی در مقابل چشمان جوانان محل به همسر یا مادر و خواهرشما حمله کند و او را کتک بزند و تمام دار و ندارش را بدزد و این

۱. بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳، دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>

جوانان بی تفاوت و بی طرف به ماجرا بنگرند، بعد از اینکه با آنان مواجه می شوید چه برخوردی با آنها دارید؟! چه احساسی نسبت به آنها در شما موج می زند؟!

مسئولیت پذیری یک قهرمان



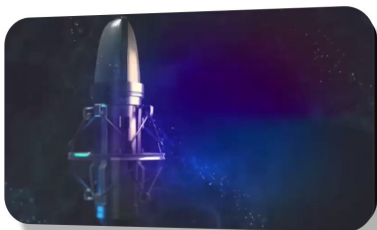
فرهنگ مقابل فرهنگ غرب، فرهنگ اسلام است که رئیس مکتبش می خواهد انسان مسئول تربیت کند. رسول الله محمد مصطفی ﷺ می فرمایند:

«مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لِّلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ
فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»!

هر کس که فریاد دادخواهی مظلومی را بشنود و جوابی ندهد، مسلمان نیست.

ایشان با عبارت مطلق «رجلاً» بدون هیچ قید و جانبداری مسئول بودن انسان در مقابل هر مظلومی را بیان می فرماید.

احساس مسئولیت
محصول تربیت
مکتب ایران اسلامی



اما دوربین‌های مداربسته صحنه‌های زیبایی از مسئولیت‌پذیری و بی‌تفاوت نبودن را هم که در مقابل فرهنگ غربی است، ثبت کرده‌اند. در حادثه غم‌انگیز، اما غرورآفرین شهید «الداغی» انگار خداوند دوربین‌هایش را طوری کاشته است که از دو زاویه، همه ماجرا را به دقت برای مردم دنیا ضبط کند. این که این شهید عزیز نمی‌تواند از کنار ظلم و جنایت عده‌ای انسان‌نما که می‌خواهند به زور تهدید و کتک، دخترکی مظلوم و بی‌دفاع را مورد آزار و اذیت قرار دهند، بی‌تفاوت عبور کند، محصول تربیت مکتب اسلام است.

شاید آن لحظه‌ای که شهید متوجه شد چندین جوان، با خشونت تمام و بی‌رحمانه به جان آن دختر بی‌پناه افتاده‌اند، دختر خودش را تصور کرد که ترس و وحشت تمام وجودش را فرا گرفته، ملتسمانه از بقیه کمک می‌خواهد. آیا یک انسان می‌تواند از کنار این ماجرا بی‌تفاوت عبور کند؟! اگر چنین کند و از محنت دیگران بی‌غم باشد، از مقام آدمیت سقوط کرده است.



تصویری از یک حقیقت

یک فیلم دوربین مخفی در همین باره منتشر شده که واقعاً برای مردم بسیاری از کشورها چنین رفتاری یک رؤیاست. پیرمردی که وانمود می‌کند عینکش را گم کرده و نمی‌تواند پیامکی که برایش فرستاده شده را روی موبایلش بخواند و از دیگران تقاضا می‌کند که پیامکش را بخوانند. اما رهگذران با مشکلی در خواندن پیامک برای پیرمرد مواجه می‌شوند؛ این که طاقت مطرح کردن آن چه در پیامک آمده را برای پیرمرد ندارند. چون پسر پیرمرد می‌خواهد او را به خانه سالمندان ببرد. مردم پس از اینکه با اصرار پیرمرد مجبور می‌شوند پیامک را بخوانند و ناراحتی پیرمرد را می‌بینند تمام تلاش خود را برای حل این مسئله انجام می‌دهند. اتفاقات بسیار زیبایی در این فیلم می‌افتد که با هم می‌بینیم.

بارها شاهد بوده‌ایم که در حوادث طبیعی مثل سیل و زلزله مردم چگونه به کمک یکدیگر شتافته‌اند یا در جشن‌های نیکوکاری چه صحنه‌های زیبایی را خلق می‌کنند.

بی تفاوتی دولت‌ها



این تفاوت در رفتار ناشی از چیست؟

در واقع این فرهنگ عمومی بی تفاوتی و بی طرفی در بین آحاد مردم غرب، محصول تفکر مادی و تزریق آن در برنامه‌های کلان دولت‌هاست که مردم خودشان را به بی طرفی و بی تفاوتی در مسائل اساسی سوق می‌دهند و با ایجاد مشغولیت‌های مختلف، مانع از بیداری وجدان‌ها می‌شوند؛ وگرنه اگر غبارها از جلوی چشم فطرت مردم غرب هم کنار برود، هر انسان آزاده‌ای فریاد خواهد زد:

توکز محنت دیگران بی غمی

نشاید که نامت نهند آدمی

اما چرا این زشتی بی طرفی و بی تفاوتی در سطح دولت‌ها نسبت به جنایاتی که در عالم اتفاق می‌افتد، آن‌چنان که باید درک نمی‌شود؟! مثلاً چرا کشوری مثل سوئیس که بیش از دویست سال است رسماً بی طرفی خودش را در جنگ‌ها اعلام کرده و تقریباً در هیچ جنگ و درگیری ورود نداشته، نه تنها مطرود و منفور نیست، بلکه یک کشور

محبوب و متمدّن شناخته می‌شود؛ به‌طوری که به‌عنوان گل سرسبد کشورهای اروپایی مطرح بوده و در غرب، ضرب‌المثل یک زندگی آرمانی شده است. آیا بی‌طرفی و بی‌تفاوتی فقط در مقابل جنایات فردی که در مقابل چشم ما روی می‌دهد، زشت است؟! اگر این بی‌طرفی از دولت ما سر زد و کیلومترها آن طرف‌تر هزاران مظلوم قتل‌عام شدند، دیگر زشت نیست؟! ما که تربیت شده‌مکتب مسئول‌پرور ایران اسلامی هستیم، چرا سوئیس را محبوب می‌دانیم؟ شاید یکی از علت‌های آن، بی‌توجهی به زشتی بی‌طرفی و ندانستن پیامدهای آن برای کشورهای مظلوم و نیاندیشیدن به این مسئله باشد.

یک مثال ملموس



گاهی نادانسته‌های ما در مورد پلیدی‌های یک چیز، نه‌تنها آن را از چشم ما نمی‌اندازد، بلکه خواستنی هم می‌کند؛ مثلاً زمانی که یک غذای چرب و نرم در مقابلمان قرار دهند، مخصوصاً اگر گرسنه هم باشیم، رنگ و بوی آن غذا هوش از سرمان می‌برد و اشتهاى بسیاری برای خوردن آن داریم.



اما به محض این که کسی به ما بگوید این غذای لذیذ از گوشت سگ تهیه شده و یا در هنگام پخت آن، آب دهان در آن ریخته شده، دیگر آیا میلی برای خوردن آن باقی می ماند؟! بلکه آن غذا را هرچه در مقابلمان جلوه دهند، برای ما که می دانیم چه خبر است، تهوع آورتر می شود.



در مورد کشور سوئیس نیز مسئله به همین شکل است؛ یعنی هرچند زیبایی های آن و رفاه زندگی و نظم و انضباط و تکنولوژی پیشرفته آن در ابتدای امر این کشور را برای هر انسانی محبوب و خواستنی می کند، اما پس از علم به این واقعیت غیرانسانی، تمام آن جذابیت ها رنگ می بازند و از بین می روند.

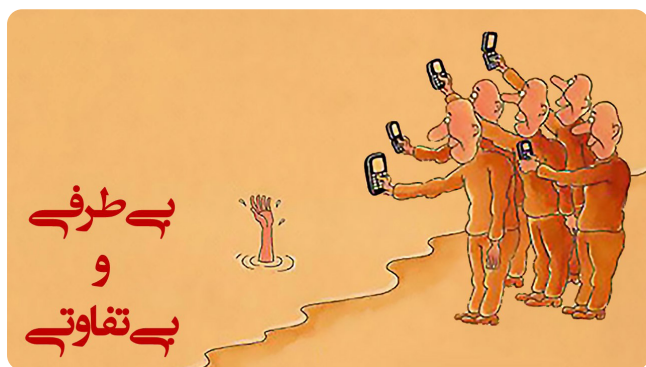
سوئیس دارای نفرت‌انگیزترین و بیچاره‌ترین مردم و سیستم سیاسی است! این جمله شاید عجیب به نظر برسد. این حرف را هیتلر در نشست با موسیلینی در سال ۱۹۴۰ می‌گوید. اما چه شد که هیتلر نتوانست به سوئیس حمله کند و سوئیس موفق شد در بزرگ‌ترین جنگ تاریخ بی‌طرف باقی بماند.

همه ما سوئیس را با طبیعت زیبا و مناظر بی‌نظیرش می‌شناسیم. اسکی و ورزش‌های برفی، طبیعت‌گردی و توریسم، با نام سوئیس پیوند خورده و شاید تا اسم سوئیس را می‌شنویم، یاد بانک‌های امن، ساعت‌های بی‌نقص، شکلات‌ها و پنیر معروفش بیافتیم. اما چطور این کشور زیبای اروپای مرکزی توانست آن‌قدر امن و ثروتمند بشود، درحالی‌که منابع طبیعی چندانی ندارد؟ یکی از مهم‌ترین دلایل رشد اقتصادی و توسعه سوئیس به زمان جنگ‌های جهانی اول و دوم بازمی‌گردد. وقتی که اروپا و تمام جهان در آتش جنگ می‌سوخت، این کشور توانست خودش را از جنگ دور نگه دارد. زمانی که همه همسایه‌های سوئیس به دلیل جنگ هر روز فقیرتر می‌شدند و زیرساخت‌های اقتصادی و صنعتی‌شان نابود می‌شد، سوئیس‌ها با حفظ بی‌طرفی، به رشد و توسعه کشورشان ادامه دادند و توانستند چند پله از همسایه‌های خودشان پیش بیافتند.

جنگ جهانی دوم یک تراژدی باورنکردنی بود که در آن میلیون‌ها نفر جان‌شان را از دست دادند. در طول جنگ جهانی دوم سوئیس رسماً سیاست بی‌طرفی داشت؛ به این معنا که آن‌ها با همه طرف‌های جنگ معامله می‌کردند. چه دولت‌های محور و هیتلر باشد، چه متفقین و چرچیل. اما واقعیت این است که سوئیس بیشترین تجارت را با آلمان داشت و سلاح‌های ضد هوایی و دیگر تجهیزات نظامی و مهمات مورد استفاده در جنگ را در اختیار آن‌ها قرار داد.

علاوه بر این، سوئیس به رژیم نازی اجازه داد تا مقدار زیادی طلا و آثار هنری و سایر اشیاء باارزش را که از قربانیان جنگ به غارت رفته بود، ذخیره و نگهداری و حتی با فرانک سوئیس معامله کند؛ بدون این که منشأ آنها را ثابت کند. این اطلاعات، تصویر خوبی از سوئیس منعکس نمی کند. احتمالاً مدافعان این طرح به ما می گویند که سوئیس برای دور ماندن از جنگ و بی طرف ماندن، هر کاری که لازم بود، انجام داد؛ درست مثل انفجار مرزها یا ساختن سنگرها در کوهستان.

مبادلات پولی و واسطه گری برای هیتلر، حمله احتمالی نازی ها به همسایه جنوبی شان یعنی سوئیس و تصرفش را پرهزینه تر و احتمالاً ناپذیرفتنی تر می کرد.



تصور بی طرفی و بی تفاوتی کافی است تا در هر کجا دیده شود، زشت و نازیبا باشد.

بی تفاوتی سازمان ملل

فلسفه وجودی سازمان ملل:

۱. حفظ صلح و امنیت،
۲. توسعه روابط دوستانه،
۳. همکاری در حل مشکلات،
۴. ترویج احترام به حقوق بشر،



همین زشتی بی تفاوتی، بلکه بسیار بیشتر از آن، در مورد سازمان ملل هم که فلسفه وجودی آن از زمان تأسیس بر مبنای حل مناقشات مرزی منطقه‌ای و جهانی، بهینه‌سازی روابط بین‌الملل، احترام به حقوق انسانی، رفع تبعیض و ظلم قرار گرفته است، وجود دارد. این سازمان در قبال حملهٔ صدام به ایران چه کرد؟ یا امروز که در مقابل چشم دنیا هزاران نفر از مردم فلسطین توسط صهیونیست‌های جنایتکار در حال قتل عام شدن هستند، چه موضعی دارد؟

همه مسئولند

إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا ^{اسراء ۳۶}



آیا تاکنون در مورد این مسائل اندیشیده ایم؟ این که چرا سازمان ملی که برای مبارزه با بی تفاوتی هاست، بی تفاوت است؟ چرا کشور سوئیس که دچار صفت زشت بی طرفی است، حتی برای ماهم محبوب است؟ چرا فکر نمی کنیم؟ آیا بدون تفکر و تعقل، به جهنم حیوانیت سقوط نمی کنیم؟ آیا اگر این تفکر و تعقل از وجود انسان حذف شود، چیزی از انسانیت باقی می ماند؟ مولوی چه زیبا می فرماید:

ای برادر تو همان اندیشه ای

ما بقی خود استخوان و ریشه ای

لذا ما در مقابل یکدیگر مسئولیم و در صورت بی طرفی، در دادگاه وجدان انسانیت بازخواست خواهیم شد. خداوند نیز بر این امر وجدانی تصریح کرده، می فرماید:

﴿إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾!

گوش و چشم و دل، همه مسئولند.



فرباد اعتراض مورخ و شرق شناس معروف انگلیسی و استاد دانشگاه پرینستون امریکا

مایکل کوک^۱ در مقدمه کتابش به نام «امربه معروف و نهی ازمنکر

۱. Michael Cook در سال ۱۹۴۰ در انگلستان متولد شد. پس از گذراندن تحصیلات اولیه در ۱۹۵۹ وارد کالج کینگ دانشگاه کمبریج شد و تا ۱۹۶۳ در رشته تاریخ و مطالعات شرقی مشغول به تحصیل بود. کوک دو سال به فراگیری تاریخ انگلستان و اروپا پرداخت و دو سال هم زبان ترکی استانبولی و فارسی را آموخت و سپس به «مرکز مطالعات شرقی و آفریقایی» دانشگاه لندن رفت. به مدت دو سال در همان دانشگاه به تدریس تاریخ اقتصاد پرداخت و در همین زمان تحقیقات و پژوهش‌هایی درباره خاورمیانه و خاور نزدیک داشت. کوک در ۱۹۸۶ به ایالات متحده رفت و در آن‌جا به سمت استادی مطالعات خاور نزدیک دانشگاه پرینستون منصوب شد. مهم‌ترین اثر او که به فارسی نیز برگردان شده، درباره فرضیه امربه معروف است. او با ژرف‌نگری خاص و حدود ۱۵ سال تحقیق مداوم و بررسی و مطالعه ۱۷۰۰ کتاب و مقاله که بیش از سه چهارم آن کتاب‌ها اسلامی بود، موفق به نوشتن جامع‌ترین کتابی شد که تاکنون درباره امربه معروف و نهی ازمنکر نوشته شده است. این وظیفه الهی در تمام فرقه‌ها و مذاهب مطرح اسلامی، از قدیم‌ترین زمان تا به امروز در این کتاب مورد بحث و بررسی قرار گرفته و بخش نسبتاً زیادی از کتاب به آرای فقیهان شیعه، از کلینی تا عصر حاضر اختصاص یافته است.

کوک با بررسی این آموزه در دیگر ادیان توحیدی، آیین‌های غیرتوحیدی، سنت‌های جاهلی، اندیشه‌های اخلاقی، مکتب‌های فلسفی و نیز وظیفه امداد در غرب و مقایسه آنها با اسلام، هیچ مشابه و همتایی برای این تکلیف، آن‌گونه که در اسلام آمده است، نیافت. این کتاب جایزه کتاب «آلبرت هورانی» را برای او به ارمغان آورد و با نام «امربه معروف و نهی ازمنکر در اندیشه اسلامی» در ایران به چاپ رسید و در سال ۱۳۸۵ در بیست و چهارمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی، شایسته تشویق شناخته شد. کوک تاکنون جوایز و اعتبارات بسیاری کسب کرده است؛ از جمله کمک‌هزینه تحصیلی گوگنهایم در سال ۱۹۹۰، جایزه یک‌ونیم میلیون دلاری بنیاد «ملون» برای داشتن سهم قابل توجه در تحقیقات علوم انسانی در سال ۲۰۰۲، جایزه جشنواره بین‌المللی فارابی در سال ۲۰۰۸ و چندین جایزه و نشان دیگر. آخرین آن، جایزه «هولبرگ» در سال ۲۰۱۴ بود. کوک اینک استاد مطالعات خاور نزدیک دانشگاه پرینستون است و تمایل شخصی وی تدریس دروس عربی‌محور

در اندیشه اسلامی» حادثه تکان‌دهنده‌ای را نقل می‌کند که باعث نوشتن این کتاب و معرفی امر به معروف و نهی از منکر به جامعه غربی شده است. حادثه از این قرار بود:

کوک در یکی از روزهای ماه سپتامبر ۱۹۸۸ در روزنامه‌ای می‌خواند که در ایستگاه قطار شهری شیکاگو، زنی مورد تجاوز قرار گرفته و درحالی‌که آن زن از مردم کمک می‌خواهد، همه عابران بی‌توجه از کنار این صحنه رد می‌شوند! از میان ناظران، تنها یک نفر برای دستگیری مجرم با پلیس همکاری می‌کند. آن‌چه در این حادثه مهم است، نه اصل تجاوز بلکه واکنش رهگذران است.

کوک پس از خواندن این خبر، با خود می‌اندیشد: ما به نوعی وظیفه داریم دیگران را از ارتکاب کارهای ناپسند در مورد هم‌نوعان خود بازداریم؛ اما در دنیای غرب نامی برای این وظیفه وجود ندارد. مؤلف اعتراف می‌کند: خود در این مورد چیزی نمی‌دانسته، اما این حادثه انگیزه‌ای شد برای این‌که این فریضه را موضوع تحقیق خود قرار دهد.



چرا مایکل کوک در مواجهه با یک ظلم نسبت به زنی
مظلوم، با نوشتن کتابی، اعتراض خود را فریاد کشید؟ اما مردم
در جامعه، مقابل ظلم به یکدیگر بی تفاوت می‌مانند و در مقابل
دولت‌های ظالم نیز ساکتند؟! حتی برخی دولت‌ها نسبت به
ظلم دولت‌های دیگر بی‌طرف می‌مانند؟!

در سیرهٔ اهل بیت ما فراوان است مواردی که بی‌طرفی را نفی
می‌کنند و زشت می‌دانند و مایه وقوع جنایات معرفی می‌کنند.



امام حسین علیه السلام زمانی که ظلم یزید را دید نتوانست ساکت بنشیند و بی تفاوت بماند. او در اعتراض به حکومت برای مقابله با ظلم آشکار او به درخواست مردم کوفه لبیک گفت و از مدینه خارج شد و فرمود:

«إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ
بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ»!

«تنها برای اصلاح در امتّ جدّم به پا خواستم. می خواهم
امر به معروف و نهی از منکر کنم.»



تحریک احساس

در پرورش احساس می‌خواهیم مخاطب را از بی‌طرفی و بی‌طرفان
متنفر کرده، شوق فراوان او در کمک به مظلومین، مخصوصاً مردم
مظلوم فلسطین را برانگیزیم.

پیامد بی‌طرفی، جرئت یافتن زورمداران بر جنایت

اما چرا انقلاب امام حسین که با هدف ایجاد اصلاح صورت گرفت
منجر به رقم خوردن فاجعه‌ی دل‌خراش کربلا شد؟ قطعاً سکوت و بی
تفاوتی مردم و بزرگان در جبهه‌ی حق به نفع باطل تمام خواهد شد و
این جرئت بر ظلم ظالمان نتیجه‌ی قهری بی‌طرفی‌ها است.



کشتار میلیون سرخ پوست ها سرزمین امریکا

نگاهی به جنایات زورمندان و مستکبرین عالم نسبت به
مظلومین، دل هر انسان آزاده‌ای را به درد می‌آورد. چطور عده‌ای به خود
حق می‌دهند که پس از ورود بی‌اجازه به سرزمین بومیان سرخ‌پوست
در آن سوی کره زمین، میلیون‌ها نفر از آنان را از بین ببرند و فقط
به‌خاطر منافع خود، دولتی جدید از سفیدپوستان تأسیس کنند؟!۱

۱. برخی از مهم‌ترین جنایات ابرقدرت‌های غربی در طول تاریخ استعماری آن‌ها:
جنایات آمریکا:

- کشتار و نسل‌کشی ۱۰۰ میلیون سرخ‌پوست آمریکایی؛ کشتار سرخ‌پوستان جنایت پر دامنه و طولانی مدتی بود که به دنبال کشف قاره آمریکا توسط دریانوردان اسپانیایی در قرن شانزدهم آغاز شد. این کشتارها عمدتاً توسط کشورهای استعمارگر اروپایی خصوصاً اسپانیا، پرتغال، فرانسه و انگلستان به منظور سلطه بر مناطق مختلف قاره آمریکا و با هدف دستیابی به اموال و املاک سرخ‌پوستان صورت می‌گرفت. بعدها و به‌خصوص در نیمه دوم قرن نوزدهم، آمریکاییان با کوچ دادن اجباری و جنگ‌هایی که به دنبال آن صورت می‌گرفت، نقش پررنگی در کشتار سرخ‌پوستان آمریکای شمالی ایفا کردند. جنگ‌های آمریکا با اولین حمله به سرخ‌پوستان در شهر «جیمزتاون» در سال ۱۶۶۲ میلادی آغاز شد و تا سال ۱۹۰۰ ادامه داشت. در مجموع آمریکایی‌ها حدود ۱۰۰ میلیون سرخ‌پوست را به قتل رساندند.
- فاجعه بیماران اتمی هیروشیما و ناگازاکی؛ بمباران اتمی دو شهر هیروشیما و ناگازاکی در اواخر جنگ جهانی دوم به دستور هری ترومن، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، علیه امپراتوری ژاپن انجام شد. در این دو عملیات، دو بمب اتمی به فاصله ۳ روز بر روی شهرهای هیروشیما و ناگازاکی انداخته شد که باعث ویرانی و کشتار گسترده شهروندان این دو شهر شد. انفجار اتمی در دو شهر هیروشیما و ناگازاکی را شاید بتوان یکی از بزرگ‌ترین جنایات های تاریخی آمریکا برشمرد که به مرگ آبی ۲۲۰ هزار تن منجر شد و صدها هزار تن نیز طی سال‌های بعد بر اثر تشعشعات هسته‌ای دچار بیماری‌های سخت شدند.
- کشتار ۳ میلیون ویتنامی با مشارکت آمریکا؛ جنگ ویتنام نام مجموعه عملیات و درگیری‌های

نظامی میان سال‌های ۱۹۵۵ تا ۱۹۷۵ بین نیروهای ویتنام شمالی و جبهه ملی آزادی‌بخش ویتنام جنوبی معروف به «ویت‌کنگ» از یک سو، و نیروهای ویتنام جنوبی و متحدانش به ویژه ایالات متحده آمریکا از سوی دیگر است. جنگ آمریکا علیه ویتنام در زمان ریاست جمهوری لیندون جانسون آغاز شد و بر اساس آمار در طی ۱۶ سال جنگ، حدود ۳ میلیون ویتنامی کشته شدند. از جمله مهم‌ترین جنایات آمریکا در جنگ ویتنام، سم‌پاشی مناطق ویت‌کنگ‌ها با ماده شیمیایی بود. «عنصر نارنجی» که به وسیله هواپیماهای آمریکایی بر این مناطق بارید، با ماده دی‌اکسین، تا سال‌ها منجر به بیماری‌هایی چون سرطان و معلولیت ذهنی در این منطقه شده است. آمریکایی‌ها سالانه ۵۰۰ هزار تن بمب بر این سرزمین ریختند. جنگل‌ها را با بمب‌های آتش‌زای «ناپالم» به آتش کشیدند و انسان‌ها را زنده زنده سوزاندند. از سال ۱۹۶۵ کشورهای هم‌مرز ویتنام، یعنی کامبوج و لاوس نیز به دلیل کمک سربازان این دو کشور به ویت‌کنگ‌ها هدف حملات هوایی آمریکا قرار گرفتند. تجاوز به زنان، شکنجه آنها و کشتن مردم عادی توسط نیروهای آمریکایی از ۱۹۶۷ به بعد شدت یافت و جنایت بزرگی در تاریخ جهان ثبت کرد. جنایات آمریکا در افغانستان: جنگ آمریکا در افغانستان از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۴، دوره‌ای از جنگ است که به بهانه حمله القاعده به نیویورک و واشنگتن در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد. این جنگ ده‌ها هزار تلفات مستقیم غیرنظامی برجا گذاشت. بیش از ۴۰۰۰ سرباز ISAF یا «نیروهای بین‌المللی کمک به امنیت» و پیمانکاران غیرنظامی، ۱۵۰۰۰ تن از نیروهای امنیت ملی افغانستان و هم‌چنین بیش از ۲۰ هزار غیرنظامی کشته شدند. اکنون آمار دقیقی از تعداد کل کشته‌های این جنگ در دست نیست، اما طبق مطالعات پروفیسور «مارک هرولد» که در روزنامه گاردین منتشر شد، فقط در سه ماه اول جنگ، بیش از ۴۰۰۰ تن کشته شده‌اند. تنها در سال ۲۰۰۹ بمب‌های دست‌ساز و مین‌های کنارجاده‌ای ۱۰۵۴ نفر قربانی گرفته‌اند. درعین حال، ده‌ها هزار غیرنظامی از زمان آغاز حملات هوایی آمریکا در سال ۲۰۰۱ تا زمان حاضر در افغانستان جان باخته‌اند.

همدستی با رژیم بعث عراق در هشت سال جنگ تحمیلی علیه ایران: جنگ رژیم بعث عراق با ایران، طولانی‌ترین جنگ متعارف در قرن بیستم میلادی و دومین جنگ طولانی این قرن پس از جنگ ویتنام بود که نزدیک به هشت سال به طول انجامید. جنگ به صورت رسمی در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ (۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰) آغاز شد. در این روز، درگیری‌های پراکنده مرزی دو کشور با یورش همزمان نیروی هوایی عراق به ده فرودگاه نظامی و غیرنظامی ایران و تهاجم نیروی زمینی این کشور در تمام مرزها به یک جنگ تمام‌عیار تبدیل شد. در این جنگ نابرابر که همه قدرت‌های جهانی به‌خصوص آمریکا از صدام حمایت می‌کردند، ۱۶ هزار نفر در جریان بمباران مناطق مسکونی به شهادت رسیدند و بقیه در جبهه‌های نبرد شهید شدند. شهدای بسیجی ۸۵ هزار و ارتشی ۴۸ هزار نفر بودند. بیش از ۳۳ هزار دانش‌آموز و بیش از ۳۵۰۰ دانشجوی هم در این هشت سال به شهادت رسیدند. روحانیت نیز ۳۳۱۷ شهید داشت. هم‌چنین ۸۸ مسیحی، ۱۸ کلیمی و ۹ زرتشتی در دفاع از خاک میهن شهید شدند و ۲ هزار تبعه غیرایرانی نیز با حضور در جبهه‌ها به شهادت رسیدند. در پشت صحنه این جنایات‌های جنگی وحشیانه، آمریکا قرار داشت که می‌کوشید تا از اهرم‌های منطقه‌ای برای مهار ایران و قدرت روزافزون انقلاب اسلامی جلوگیری کند. تحریم اقتصادی آمریکا علیه ایران، عراق را بیش از گذشته بانگیزه‌تر کرد. ماهواره‌های آمریکا تصاویر میدان نبرد و اطلاعات استراتژیک نظامی را به سرعت به ایستگاه‌های آمریکا منعکس می‌کردند و ایستگاه‌های ردیابی، همه مکالمات نیروهای مسلح ایران را ثبت کرده، در اختیار ارتش صدام می‌گذاشت.

جنایات آمریکا در عراق: جنگ عراق، عملیاتی نظامی است که در ۴ مارس ۲۰۰۳ با حمله

یک ائتلاف بین‌المللی به رهبری ایالات متحده به عراق آغاز شد. این جنگ با خروج آخرین تیپ رزمی آمریکایی در ۱۹ اوت ۲۰۱۰ به‌طور رسمی پایان یافت؛ هرچند بعد از آن هم حدود ۵۰ هزار نیروی آمریکایی عمدتاً به بهانه آموزش سربازان عراقی در این کشور باقی ماندند. دو توجیه عمده برای آغاز این جنگ توسط جرج بوش رئیس‌جمهور وقت آمریکا مطرح شد که یکی از آن‌ها رابطه صدام با القاعده، و دیگری نابود کردن سلاح‌های کشتار جمعی عراق بنابر توافق‌نامه ۱۹۹۱ بود. تجاوز به زنان و کودکان، بهره‌گیری از سلاح‌های شیمیایی، کشتار جوانان و مخالفان حمله نظامی آمریکا، تخریب نهادهای آموزشی و بهداشتی، غارت اموال مردم، کشتار بی‌دلیل بی‌گناهان، آزار و اذیت کودکان، کشتار دسته‌جمعی اهالی روستاهای عراق، زنده‌به‌گور کردن مخالفان، به آتش کشیدن روستاهای مخالف حضور نظامی آمریکا در عراق و... برخی از جنایت‌های آمریکا در کشور عراق است. گفته می‌شود که کاربرد اورانیوم ضعیف‌شده و فسفر سفید در سلاح‌های آمریکایی باعث نارسایی‌های نوزادان و سرطان گسترده در شهر «فلوجه» شده است. بنابر آمارهای کمیساری عالی سازمان ملل برای پناهندگان، ۴/۴ میلیون عراقی تا پایان ۲۰۱۵ آواره شده‌اند. در طول جنگ جمعیت مسیحیان عراقی به شدت کاهش یافت؛ به‌طوری که از یک‌ونیم میلیون نفر در ۲۰۰۳ به پانصد هزار نفر در ۲۰۱۵ رسید. طبق آمار ویکی‌لیکس پیرامون گزارش‌های روزانه طبقه‌بندی‌شده جنگ عراق، از ژانویه ۲۰۰۴ تا دسامبر ۲۰۰۹ نیز ۶۶۰۸۱ غیرنظامی کشته شدند. این در حالی است که بر اساس پژوهش مؤسسه نظرسنجی ORB که در تاریخ اوت ۲۰۰۷ منتشر شده، ۱۰۳۳۰۰۰ مرگ خشونت‌بار ناشی از جنگ در کشور عراق افتاد است.

جنایات انگلستان

- اشغال هند و ایجاد قحطی‌های کشنده: در دوران اشغال هند توسط بریتانیا، بر اساس منابع مختلف تاریخی، در دهه ۱۷۷۰ میلادی بیش از ۱۰ میلیون هندی تنها در ایالت بنگال این کشور، بر اثر قحطی و گرسنگی، بیماری، بذرقتاری و شکنجه به دست نظامیان انگلیسی یا بر اثر فشار کار اجباری جان خود را از دست دادند. از سال ۱۹۴۲ نیز قحطی دیگری به دلیل تصمیم استعماری دولت بریتانیا و شخص چرچیل در هندوستان به وقوع پیوست که در حدود ۵ میلیون هندی دیگر را به کام مرگ کشاند. طی سال‌های ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۴ بین ۳/۵ تا ۵ میلیون هندی بر اثر قحطی جان باختند. به دستور چرچیل در این سال‌ها، تمامی کشتی‌هایی که برای انتقال مواد غذایی به هند مورد استفاده قرار می‌گرفت، به انتقال تجهیزات و آذوقه برای نیروهای نظامی انگلستان در شمال آفریقا به کار گرفته شدند و بدین ترتیب، قحطی بزرگی دیگر در ایالت بنگال هند جان میلیون‌ها هندی را گرفت. کشتار «آمریت‌سار» در ایالت پنجاب هند به تاریخ ۱۹۱۹ یکی دیگر از فجایع جنگی انگلیس در هندوستان است. در این کشتار، معترضین به شکل مسالمت‌آمیز در مکانی جمع شدند تا به حکومت امپراتوری بریتانیا و شرایط اقتصادی اعتراض کنند. نیروهای انگلیسی به‌جای شنیدن صدای معترضین، تمام خروجه‌ها را بستند و همه را به گلوله باران کردند. در عرض ۱۰ دقیقه حدود ۱۰۰۰ نفر کشته و همین میزان به شدت زخمی شدند. پارلمان انگلستان سرتیپ «ریچینالد دایر» فرمانده‌ای که دستور شلیک را صادر کرده بود، احضار کرد، ولی به وی مدال شجاعت داد و با پاداشی ۹۰۰ هزار دلاری وی را ناجی هندوستان نامید.

- جنگ بوئر در آفریقای جنوبی: انگلستان در طول جنگ‌های بوئر (۱۹۰۰ - ۱۹۰۲) چندین هزار انسان بی‌گناه را فقط برای جلوگیری از خطرات احتمالی شورش داخلی، در اردوگاه‌های کار اجباری زندانی کرد. در عرض یک سال ۱۰ درصد از مردم بوئر در مریضی و گرسنگی این اردوگاه‌ها مردند تا دولت بریتانیا به اهداف استعماری و اقتصادی خود در آفریقا برسد. سیاست‌های

انگلیس برای کنترل مردم آفریقای جنوبی حدود ۴۸ هزار کشته غیرنظامی، شامل زنان و کودکان برجای گذاشت. این آمار جدای از ۳۰ هزار کشته جنگ بوئر است.

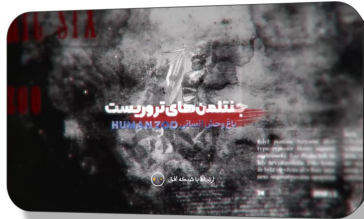
- نسل‌کشی ایرانیان در سال‌های ۱۹۱۷ - ۱۹۱۹: در طول تاریخ، انگلیس جنایات متعددی را در ایران مرتکب شده است. یکی از آن جنایات، کشتار تقریباً ۴۰ درصد از جمعیت ایران در طول سال‌های ۱۹۱۷ تا ۱۹۱۹ میلادی است. به دیگر سخن: انگلیس تقریباً ۹ تا ۱۰ میلیون نفر از جمعیت ایران را در طول این سال‌ها قتل‌عام کرد. در آن دوران، انگلیس نه تنها از پرداخت پول درآمدهای نفتی ایران امتناع می‌کرد، بلکه غلات ایران را غارت کرده و نیز اجازه نمی‌داد تا غلات و مواد غذایی از کشورهای دیگر، مانند آمریکا و هند وارد ایران شود و این امر باعث شده بود تا قیمت مواد خوراکی و غلات در ایران به شدت افزایش یابد و قحطی ایران را فرا بگیرد و در اثر گرسنگی و سوءتغذیه بین ۹ تا ۱۰ میلیون نفر از ایرانیان طی دو سال جان خود را از دست بدهند. بر اساس اسناد وزارت امور خارجه آمریکا، جمعیت ایران در سال ۱۹۱۴ میلادی ۲۰ میلیون نفر بوده است. این جمعیت در ۵ سال بعد، یعنی در سال ۱۹۱۹ به ۱۱ میلیون نفر کاهش یافته است و علت آن، سیاست نسل‌کشی انگلیس در ایران بوده است.
- کشتار مردم ایرلند شمالی: در شمال ایرلند شواهد معتبری در مورد کشتار شهروندان غیرنظامی از سوی سربازان انگلیسی موجود است. بین سال‌های ۱۹۷۰ و ۲۰۰۰ پرسنل نظامی انگلیس بیش از ۳۰۰ شهروند مرد، زن و کودک را کشتند. تمام قربانیان غیرمسلح بودند و هیچ‌یک خطر جانی برای سربازان انگلیسی به شمار نمی‌رفتند. در میان کشته‌شدگان، کشیشان کاتولیک، زنان مسن، کودکان و حتی دختران نوجوان به چشم می‌خورد. اسنادی از دولت انگلیس منتشر شده که نشان می‌دهد در سال ۱۹۷۲ به تمام سربازان انگلیسی متهم به کشتار شهروندان غیرنظامی در شمال ایرلند، بخشودگی تعلق گرفت.
- کشتار مردم یمن: شکنجه‌گاه‌های عدن در یمن طی سال‌های ۱۹۶۳-۱۹۶۶ یکی دیگر از جنایت‌های انگلستان است. در دهه ۱۹۶۰ یمنی‌ها برای در دست گرفتن بندرگاه یمن دست‌به‌کار شدند. انگلیسی‌ها بهترین راه سرکوب مخالفان را در ایجاد شکنجه‌گاه‌های مخوف دیدند. نگاه‌داری مخالفان در سلول‌های یخچالی با تن کاملاً برهنه موجب شد که بسیاری از آن‌ها ذات‌الریه بگیرند و از بین بروند. سوزاندن بدن‌ها با سیگار، نشان دادن زندانیان برهنه روی نیزه و تجاوز جنسی، از دیگر شکنجه‌های این مراکز بود.

جنایت‌های فرانسه

- جنگ الجزایر: در ۱۸ مه ۱۸۳۰ فرانسه به بهانه آن‌که فرمانروای الجزایر سه سال پیش از آن، برای دریافت هفت میلیون فرانک طلب این کشور از فرانسه، پاریس را تهدید کرده بود، دستور حمله به الجزایر را صادر کرد. اما برخلاف تصور دولتمردان فرانسه، مردم الجزایر در مقابل حمله به کشورشان به شدت مقاومت کردند و حتی پس از اشغال این کشور توسط سربازان فرانسوی، «امیر عبدالقادر الجزایری» سال‌ها با آن‌ها مبارزه کرد. با این وصف، به دلیل برتری تجهیزات فرانسویان، آنان پس از کشتار و شکنجه مردم و تجاوز به عنف در این کشور و سرکوب مقاومت آزادی‌خواهان مسلمان الجزایری، بر این کشور مسلط شدند. سرانجام در سال ۱۹۶۲، پس از یک جنگ استقلال‌طلبانه خونین که طی آن بین ۵۰۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰۰ نفر به دست ارتش فرانسه و جبهه ملی آزادی کشته شدند، کشور الجزایر به پایتختی «الجزیره» اعلام استقلال کرد. بهانه حمله به الجزایر ادب کردن پادشاه آن کشور گفته شده، اما نتیجه آن تخریب الجزایر و آوارگی ملت آن و شکنجه و کشتن هزاران الجزایری و تجاوز وحشیانه به نوامیس آنان بود. از جمله جنایت‌های تاریخی فرانسویان در الجزایر، جدا کردن سر مسلمانان توسط نیروهای فرانسوی بود.

پیامد بی طرفی جنایت قلدران است

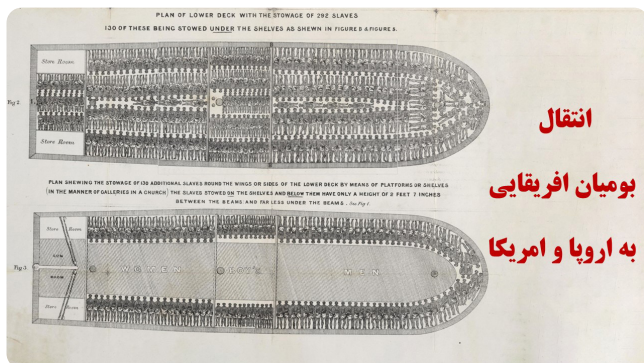
باغ وحش های انسانه



چطور غرب وحشی به خود اجازه می دهد که سیاه پوستان مظلوم را در باغ وحش های انسانی تحقیر کند؟!

به حدی که خیلی از این سیاه پوستان به جهت نگهداری در باغ وحش دچار افسردگی می شدند و اقدام به خودکشی می کردند؛ یا به جهت نگهداری در فضای باز، یا در قفس حیوانات دیگر دچار انواع بیماری های مختلف می شدند و جان می باختند.

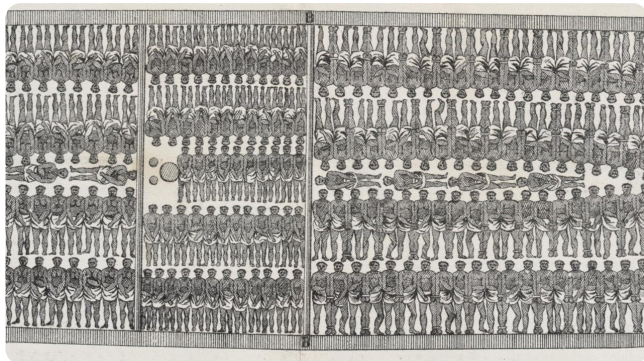
- جنایات فرانسه در جنگ جهانی دوم: کشتار «آندلوت» یکی از فجایع جنگی فرانسوی ها در ۱۲ سپتامبر ۱۹۴۴ است. در این تاریخ نیروهای فرانسوی حدود ۵۰۰ اسیر آلمانی را در انباری جمع کردند و به دستور فرمانده، با تانک به جمعیت شلیک کردند. دست و پای قربانیان به همه سو پراکنده می شد و آن هایی که هنوز نفس می کشیدند را با مسلسل تیرباران کردند. سربازان فرانسوی، آلمانی ها را آغشته به گازوئیل می کردند و به آتش می کشیدند و سوختنشان را تماشا می کردند. صدها اسیر آلمانی در فرودگاه «لوپورژه» در نزدیکی پاریس کشته شدند و بسیاری از نیز زیر چرخ های تانک توسط فرانسوی ها از بین رفتند.
- کمک های فرانسه به رژیم بعث عراق در جنگ تحمیلی علیه ایران: کمک های نظامی و اطلاعاتی فرانسه، قبل از آغاز جنگ ایران و عراق یعنی از سال ۱۹۷۳ شروع شد و با شروع جنگ هشت ساله نیز این کمک ها شدت گرفت. حجم کمک های نظامی و فروش تجهیزات فرانسه به عراق در طول جنگ به حدی بود که این کشور در رده دوم فروشندگان تسلیحات به عراق قرار گرفت. اطلاعاتی که در سال ۱۹۹۰ منتشر شد، نشان می داد که فرانسه از تأمین کنندگان زنجیره تولید بمب های شیمیایی برای عراق علیه ایران بوده است. ده ها هزار ایرانی که بخش عمده ای از آنان غیرنظامی بودند، از جمله ده ها هزار کرد عراقی، با بمب های شیمیایی صدام قتل عام یا مجروح شدند و پس از تحمل سال ها درد و رنج از دنیا رفتند. (منبع: گزارش خبرگزاری مهر به نقل از پایگاه مرکز اسناد انقلاب اسلامی)



انتقال

بومیان آفریقایی

به اروپا و آمریکا



به جهت وحشی‌گری‌ها در زمان دستگیری و اسارت و انواع بیماری‌ها در حین انتقال نامناسب سیاه‌پوستان آفریقا، از هر ۵ سیاه‌پوست آفریقایی از زمان اسارت تا رساندنشان به بازارهای فروش برده در آمریکا و اروپا تنها یک نفر زنده می‌ماند.



چطور عده‌ای سفیدپوست اروپایی میلیون‌ها سیاه‌پوست آفریقایی را برای کار در مزارعشان و گرداندن صنعتشان به بردگی می‌گرفتند و عده زیادی از آنها را مورد شکنجه روحی و جسمی قرار می‌دادند یا در صوت اطاعت نکردن، از بین می‌بردند؟!

جان لاک یک از اصلی‌ترین و مهم‌ترین نظریه‌پردازان غربی و پدر لیبرالیسم و همچنین مروج حقوق بشر است.

می‌دانیم که اصلی‌ترین شعار لیبرالیسم تأکید بر حق آزادی انسان است. اما منظورش کدام انسان است؟

جان لاک از طریق شرکت سلطنتی آفریقا (Royal African Company) در تجارت برده از آفریقا به آمریکا توسط انگلیسی‌ها سرمایه‌گذاری زیادی داشت و حقیقتاً یک تاجر برده و همچنین از مدافعان گسترش استعمار انگلیس علیه ملت‌های آسیایی بود.

ایشان کتابی دارد با عنوان «دو رساله در باب حکومت». در رساله دوم این کتاب می‌گوید:

«خداوند جهان را در اختیار انسان‌های کوشا و عاقل قرار

داده است.»

اما این یک حقیقت است که انسان عاقل که از نظر لیبرالیسم حق آزادی و مالکیت دارد، قطعاً مصداقی جز نژاد خودبترین اروپایی ندارد.^۱

رهبر حکیم انقلاب علیه السلام می‌فرمایند:

در این سه قرن، در همان حالی که غربی‌ها در عمل مشغول جنایت بودند، روشنفکرانشان و متفکرانشان برای دنیا قانون حقوق بشر کشف می‌کردند و وضع می‌کردند!

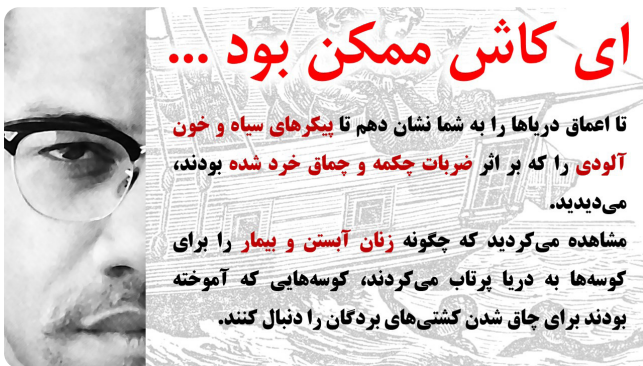
لذا محصول فکر چنین متفکرینی چیزی جز جنایت و وحشیگری علیه انسان‌ها نیست.^۲

۱. مقاله روشنگری آفریقا، نویسنده: داگ هریجونسرو، تاریخ انتشار: دسامبر ۲۰۱۷.
<https://aeon.co/essays/yacob-and-amo-africas-precursors-to-locke-hume-and-kant>
 برگرفته شده از این مقاله و کتاب دورساله در باب حکومت جان لاک

۲. غربی‌ها سه قرن دنیا را غارت کردند؛ سه قرن! دنیا را غارت کردند. از شرق آسیا، از اندونزی، از فیلیپین، از نپال، از شبه‌قاره‌ی هند بگیرید تا آسیای مرکزی و آسیای غربی و تا شمال آفریقا، بخش‌های مغرب آفریقا و تا سرتاسر آفریقای سیاه؛ غربی‌ها سه قرن این‌ها را غارت کردند؛ به اینجا اکتفا نکردند، آمریکای جنوبی را هم دست گذاشتند، آنجا را هم غارت کردند؛ قاره‌ی آمریکا را! قاره‌ی آمریکا هم صاحبانی داشت، تمدنی داشت، ملت‌هایی داشت؛ این‌ها با حیل‌های گوناگون - که همه‌ی این‌ها در تاریخ‌های دقیق مشخص است؛ کتاب بخوانید ان‌شاءالله، این حقایق را بیشتر از نزدیک درک کنید - فاجعه‌ی آفریدند؛ قتل، غارت، کشتار جمعی، شکنجه، فشار، برده‌گیری، برده‌داری؛ این کارها را غربی‌ها کردند. در این سه قرن، در همان حالی که غربی‌ها در عمل این‌جور مشغول جنایت بودند، روشنفکرانشان و متفکرانشان برای دنیا قانون حقوق بشر کشف می‌کردند و وضع می‌کردند! یعنی این تناقض در عمل و قول، این ریاکاری غربی‌ها [مشهود است]. در عمل آن جور، در زبان این‌جور؛ کشورهای اروپایی، بعد هم آمریکا به معنای واقعی کلمه در سرتاسر دنیا انواع و اقسام جنایت‌ها را انجام دادند. خوب این‌ها شاهکارهای تمدن غرب است؛ این‌ها شاهکارهای تمدن غرب است! (بیانات در مراسم سی‌وسومین سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام، ۱۴/۰۳/۱۴۰۱)



مالکوم ایکس^۱ رهبر سیاه‌پوستان مسلمان آمریکاست که رهبر ایران در ششمین کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین در سال ۱۳۹۵ از او به‌عنوان شهید یاد می‌کند و طلب قرائت فاتحه می‌نماید.



مالکوم چه غمناک شرح مظلومیتشان را در این عبارات به تصویر می‌کشد و می‌سراید که:

1. Malcolm X.

«ای کاش ممکن بود تا اعماق دریاها را به شما نشان دهم
تا پیکرهای سیاه و خون آلودی را که بر اثر ضربات چکمه و چماق
خرد شده بودند، می دیدید.

مشاهده می کردید که چگونه زنان آبستن بیمار را برای
کوسه ها به دریا پرتاب می کردند؛ کوسه هایی که آموخته بودند
برای چاق شدن، کشتی های بردگان را دنبال کنند.

آری، تجاوز مردان سفید به زنان سیاه پوست درست در
همان کشتی های بردگان شروع شد.

اهریمن چشم آبی حتی نمی توانست تا رسیدن به ساحل
صبر کند. آری، برادران و خواهران! انسان متمدن هرگز چنین
زیاده روی در آرز، شهوت و جنایت را به خود ندیده بود.»^۱



چطور به خود اجازه می دهند که جنگ بیست ساله و خانمان سوز
ویتنام که بیش از سه میلیون انسان در آن کشته شدند را به راه بیندازند
و از مواد شیمیایی ممنوعه معروف به عامل نارنجی استفاده کنند و با
این وجود، وقیحانه ادعای حقوق بشر و آزادی را هم سردهند؟!



فردی به نام واسکودوگاما^۱ که امروزه قهرمان ملی پرتغالی هاست و اولین فردی است که از راه دریا وارد هندوستان شد، به دنبال این بود که جنایتی انجام دهد تا هندی‌ها را مرعوب و مطیع کند. لذا وقتی یک کشتی بزرگ پر از حجاج هندی را غارت می‌کند، همه ۴۰۰ نفر سرنشین آن را همراه با کشتی می‌سوزاند و کشتی را غرق می‌کند! همراهان واسکودوگاما مشاهدات خود را از این واقعه چنین نوشته‌اند: حجاج التماس می‌کردند که اجازه بدهید به ساحل برگردیم، در عوض، ثروتی که داریم را در اختیار شما می‌گذاریم. لاقابل بگذارید کودکان به ساحل برگردند. اما توجهی به این التماس‌ها نشد. غرق شدن کامل کشتی چند روز طول کشید و در تمام این روزها واسکودوگاما این فاجعه را تماشا می‌کرد. اگر کسی می‌خواست فرار کند، همان‌جا او را می‌کشتند!^۲

1. Vasco da Gama.

۲. کلیفورد کانر، تاریخ علم مردم، ترجمه حسن افشار، ص ۱۰۳.



و بالاخره چطور امروز و در قرن ۲۱ غرب به صهیونیست‌های
نژادپرست کمک می‌کند تا در سطحی وسیع و با خشونت بی‌نظیر
و باورنکردنی در مدتی کوتاه که همه ما این روزها شاهد آن هستیم،
نزدیک به ۴۰ هزار غیرنظامی مظلوم را ظالمانه به کام مرگ ببرد؟! چطور
می‌شود در این معرکه ظالم و مظلوم، بی‌طرف بود و صرفاً نظاره‌گر
چنین جنایاتی شد؟!

داستان غم‌انگیز فلسطین



داستان غم‌انگیز

فلسطین

یکی از بزرگ‌ترین و غیرمنطقی‌ترین ظلم‌هایی که ده‌ها سال است نسبت به مردم یک کشور اعمال شده، همین ظلم انگلیس و صهیونیست‌ها و بعد آمریکا و استکبار جهانی نسبت به مردم کشور فلسطین است.

داستان غم‌انگیز فلسطین



از بین کتاب‌های بسیاری که در مورد فلسطین و یهود نوشته شده، مثل کتاب «سرنوشت فلسطین» از اکرم رُغیترو «فلسطین» و «رو به پایان» که از سخنرانی‌های رهبری جمع‌آوری شده، می‌خواهم این داستان را از کتاب «سرنوشت فلسطین» بازگو کنم که روزنامه‌نگارانی

مستقل و اهل ایالت نیوجرسی آمریکا به نام های «جوی باندز، جیمی اِمرمان، لیندا جان، پنی گانسون و پائول روپرت» با گردآوری اسناد تاریخی روایت کرده‌اند. آنچه در ادامه آمده، از این کتاب نقل شده است:

در سال ۱۸۸۰ یعنی ۱۴۴ سال قبل، مهاجرت یهودیان از اروپا و روسیه آغاز شد. حضور یهودیان، به بالا گرفتن درگیری‌ها در این سرزمین انجامید.



«احمد حام» نویسنده مشهور یهودی در بازدید سال ۱۸۹۱ یعنی ۱۳۳ سال قبل خود از فلسطین، پس از مشاهده رفتار آمرانه مهاجران می‌نویسد: رفتار آنها با اعراب، خشن و بی‌رحمانه است. حقوق آنها را به راحتی زیر پا می‌گذارند و گاهی بدون هیچ علتی آن‌ها را آزار می‌دهند و به این رفتار خود مباحات می‌کنند و کسی هم در میان ما یهودیان نیست که جلوی این رفتارهای زشت و زننده را بگیرد.



صهیونیست‌ها بر این باور بودند که تاریخ فلسطین، همزمان با تسلط رومیان در سال هفتادِ پس از میلاد یعنی تقریباً ۲۰۰۰ سال پیش و از بین رفتن پادشاهی یهودی آن، پایان یافته است. به همین ترتیب، تاریخ دوهزار ساله فلسطین پس از این رخداد توسط مهاجران یهودی جدید نادیده گرفته می‌شد و به آنان بهانه‌ای برای اشغال این سرزمین می‌داد. آنها (با پررویی تمام) مدعی بودند که فلسطین سال‌هاست منتظر است تا صاحبان حقیقی‌اش یعنی یهودیان به آن بازگردند!



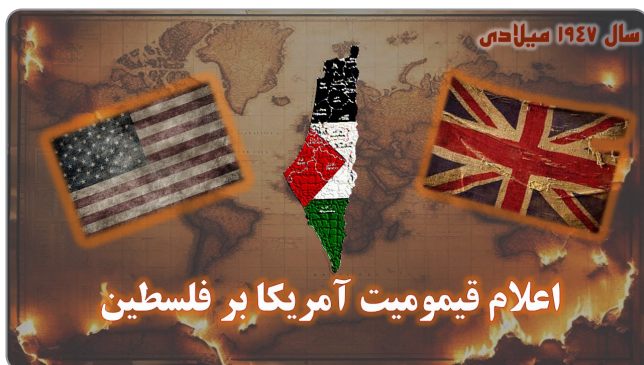
تئودور هرتسل (بنیان‌گذار صهیونیسم) در کتاب خود «دولت یهود» بیان می‌کند که تنها راه حل مشکل یهودیان ایجاد سرزمینی مختص خودشان است. او در کتاب خود می‌نویسد: «اینک من در خصوص سرزمین موعود همه چیز را به شما خواهم گفت، به جز مکان آن». او بر این باور نبود که این دولت لزوماً باید در سرزمینی با ریشه‌های کهن مذهبی بنا شود؛ بلکه مدعی بود که این دولت حتماً باید زیر چتر حمایت یکی از کشورهای قدرتمند اروپایی بنا شود و طبیعتاً برای این که یک کشور اروپایی از تشکیل دولت یهودی حمایت کند، نیازمند آن است که منافع اروپایی‌ها تأمین شود.



رهبران صهیونیسم و دولتمردان بریتانیا در تابستان و بهار ۱۹۱۷ (حدود ۱۰۰ سال قبل) به دنبال تدوین اعلامیه حمایت بریتانیا از صهیونیسم که حامی منافعشان در منطقه بود نوشتند:

جناب لرد روچیلد^۱ عزیز، دولت اعلیٰ حضرت پادشاه بریتانیا در رابطه با بنیان گذاشتن فلسطین به عنوان خانه ملی یهودیان نظر مساعد خود را اعلام می‌دارد و در راه رسیدن به این هدف، از هیچ تلاشی دریغ نخواهد کرد. از طرف لرد بالفور (وزیر خارجه‌ی بریتانیا)، به این ترتیب در بیانیه بالفور فلسطین به عنوان خانه‌ی ملی یهودیان تعیین شد.

۱. یکی از رهبران و سرمایه‌داران جامعه یهودیان بریتانیا

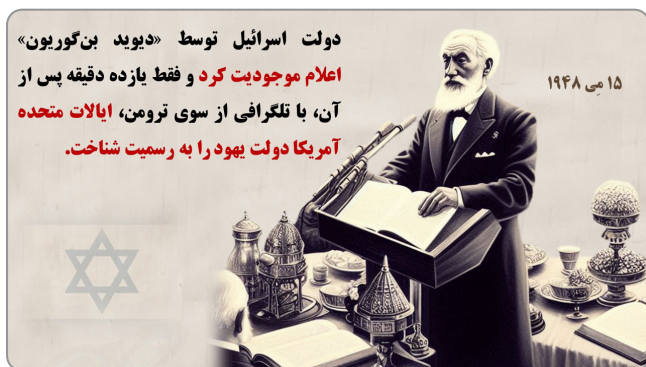


پس از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵ میلادی یعنی حدود ۸۰ سال پیش و پس از ضعیف شدن قیمومیت بریتانیا بر فلسطین و قدرت گرفتن آمریکا، آمریکا اعلام سرپرستی کرد.



پس از سرپرستی آمریکا، کمیته ویژه سازمان ملل در امور فلسطین (یونسکوپ) سرزمین فلسطین را میان اعراب و یهودیان تقسیم کرد. طبق برنامه جداسازی ۵۵ درصد سرزمین فلسطین به یهودیانی می‌رسید که در آن زمان تنها مالک ۶ درصد از سرزمین فلسطین

بودند. در آن طرف نیز دولت اعراب که مالک ۹۴ درصد از زمین‌های فلسطین بودند را در ۴۵ درصد باقی مانده از خاک فلسطین جای دادند. به این ترتیب فلسطین در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ با ۳۱ رأی موافق و ۱۳ رأی مخالف و ۱۰ رأی ممتنع تقسیم شد.



و بالاخره بعد از ظهر روز ۱۵ می سال ۱۹۴۸ یعنی حدود ۷۵ سال پیش دولت اسرائیل توسط «دیوید بن‌گوریون» اعلام موجودیت کرد و فقط یازده دقیقه پس از آن، با تلگرافی از سوی ترومن رئیس جمهور امریکا، ایالات متحده دولت یهود را به رسمیت شناخت.



جهان غرب تولد این دولت جدید را جشن گرفت. در آمریکا نمایندگان کنگره و رئیس جمهور معجزه اسرائیل را تبریک گفتند. حجم زیادی از کتاب ها و مقالات همچون کتاب پرفروش «خروج» داستان شکل گیری اسرائیل را به صورت پیروزی مردمانی-باهوش و شجاع یعنی اسرائیلی‌ها بر قبایل تیره پوست و حیل‌گر و متخاصم اعراب بازگو می کردند.

به این ترتیب جهان غرب تولد این دولت جدید را جشن گرفت. حجم زیادی از کتاب‌ها و مقالات همچون کتاب پرفروش «خروج»، داستان شکل‌گیری اسرائیل را به صورت پیروزی مردمانی باهوش و شجاع - یعنی اسرائیلی‌ها - بر قبایل تیره‌پوست و حیل‌گر و متخاصم عرب بازگو می‌کردند؛ داستانی که مثل فیلم‌های وسترن عامه‌پسند هالیوود، آن‌قدر دراماتیک بود تا پرده سینماهای آمریکا را خیلی زود به خود اختصاص دهد. البته نقطه اشتراک آمریکا و اسرائیل در این بود که حمله به بومیان و تصرف زمین‌های آن‌ها چه فلسطینی و چه سرخ‌پوست را نه تنها مشروع، بلکه شجاعانه و الهام‌بخش به تصویر می‌کشیدند.^۱

۱. جوی باندز، سرنوشت فلسطین، ترجمه مهدی صدرالدین، ص ۲۰ و ۲۱.

افتخار ما^۱

افتخار ما همواره این بوده که هیچ وقت نسبت به فلسطین بی تفاوت و بی طرف نبوده ایم و امروز به عنوان بزرگترین و قوی ترین دشمن این غده ی سرطانی در انتظار جشن گرفتن نابودی استکبار هستیم و به زودی آن را خواهیم دید.

و اما افتخار دولت و مردم ایران اسلامی این است که تنها کشوری است که هم دولتش و هم ملتش به جد و همه جانبه در مقابل این ظلم تاریخی ایستاده و هم در بیان و روشنگری و هم در میدان عمل، تمام تلاش خود را در راستای رفع ظلم از مردم مظلوم فلسطین انجام داده است.

۱. امروز مسئله غزه، مسئله اول دنیای اسلام است. این [است] که پیغمبر فرمود: «مَنْ أَصْبَحَ وَ لَمْ يَهْتَمْ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»؛ اهتمام به این امر، در صدر اهتمامات همه دنیای اسلام باید قرار بگیرد. آحاد مردم، ملت ها، دولت ها بالخصوص، مسئولان کشورها، مسئولان دولت ها بایستی همه به فکر بیفتند. دو کار باید انجام بگیرد: یک کار کمک به مظلوم است، که این کمک به مظلوم به معنای فراهم کردن امکانات حیاتی آنهاست. امروز آنها به غذا احتیاج دارند؛ به دارو احتیاج دارند؛ به بیمارستان احتیاج دارند؛ به آب احتیاج دارند؛ به برق احتیاج دارند؛ به بازسازی منازلشان و شهرشان و مسکنشان احتیاج دارند. دنیای اسلام موظف است این ها را فراهم کند. این ها به سلاح هم احتیاج دارند. دشمن می خواهد دست این ها را از سلاح خالی کند، تا هروقت اراده کرد و میلش کشید - سر یک بهانه ای یا بی بهانه - به این ها حمله کند، این ها هم هیچ نتوانند از خودشان عکس العمل نشان بدهند؛ دشمن این را می خواهد. باید در مقابل این خواست ناحق دشمن، عزم دنیای اسلام خودش را نشان بدهد. این کار اولی است که بایستی انجام بگیرد که کمک به مظلوم است: «وَلِلْمَظْلُومِ غَوَا» (نهج البلاغه، نامه ۴۷) عون مظلوم باشید؛ کمک مظلوم باشید. این کمک، کمکی است که به عهده همه دنیای اسلام است. ما به دولت های مسلمان از همین جا - سفرای دولت های مسلمان این جا حضور دارند - می گوییم: بیاید بر سر کمک رسانی به مردم غزه و غلبه بر موانعی که رژیم صهیونیستی در سر این راه به وجود آورده است، با هم همدست بشویم؛ با هم کار کنیم و انواع و اقسام کمک ها را به این ها برسانیم.



برخی از مهم ترین اقدامات کشورمان در حمایت از فلسطین عبارتند از:

۱. اعلام راه پیمایی در روز قدس؛^۱

وظیفه دومی که وجود دارد، مقابله و معارضة با کسانی است که این ظلم، این ستم بزرگ تاریخی، این نسل کشی، این بی حیایی و بی شرمی در جنایت و آدم کشی از آنها دارد سر می زند، که انسان واقعاً حیرت می کند از بی شرمی این ها، که برای کشتن مردم غیرنظامی توجیه و استدلال و منطق ارائه می دهند؛ این قدر بی شرمند! برای کشتن بچه های کوچک، کودکان معصوم و مظلوم استدلال مطرح می کنند؛ این قدر این ها وقیحند! این هایی که این جنایت را دارند می کنند، جانی اند؛ مباشرین جنایتند؛ اما فقط این ها تنها نیستند، امروز هر کسی از صهیونیست ها حمایت می کند، اعم از مسئولین کشورهای مستکبر مثل آمریکا و انگلیس و غیرهم، یا مجامع عمومی مثل سازمان ملل و امثال این ها، که به نحوی یا با سکوت خود، یا با اظهارات خود و بیانات خود و حرف های غیرمنصفانه خود، از این ها حمایت می کند، در این قضیه شریک جرم است. همه دنیای اسلام، همه دولت های اسلامی، همه احاد ملت های مسلمان موظفند با این ها معارضة کنند؛ مقابله کنند؛ ابراز برائت کنند؛ از اینها ابراز نفرت بکنند؛ آنها را به خاطر این موضع گیری ها ملامت کنند. این وظیفه عمومی است. باید آن ها را منزوی کنند، و اگر می توانند، برخورد اقتصادی بکنند؛ برخورد سیاسی بکنند. این وظیفه امت اسلامی است. (بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۳۹۳/۵/۷)، دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=27114>

۱. امام خمینی ره در ۱۶ مرداد ۱۳۵۸، مطابق با ۱۳ رمضان ۱۳۹۹ پس از بمباران جنوب لبنان توسط نیروهای دفاعی اسرائیل، در پیامی که خطاب به مسلمین ایران و جهان صادر کردند، از مسلمانان جهان خواستند تا آخرین جمعه ماه رمضان را به عنوان «روز قدس» انتخاب کنند و در این روز، هم بستگی خود را در حمایت از «حقوق قانونی مردم مسلمان

۲. ایجاد جبههٔ مقاومت؛^۱

۳. فعالیت‌های دیپلماتیک در مجامع جهانی برای احقاق حقوق فلسطینیان. وزیر امور خارجه ایران شهید حسین امیرعبداللهیان توجه ویژه‌ای به هماهنگی و مشارکت مؤثر دیپلماسی و میدان

فلسطین» به نمایش بگذارند. متن پیام بینان‌گذار جمهوری اسلامی به شرح ذیل است:

بسم الله الرحمن الرحيم

من در طی سالیان دراز، خطر اسرائیل غاصب را گوشزد مسلمین نمودم، که اکنون این روزها به حملات وحشیانه خود به برادران و خواهران فلسطینی شدت بخشیده است، و به‌ویژه در جنوب لبنان به قصد نابودی مبارزان فلسطینی، پیاپی خانه و کاشانه ایشان را بمباران میکند. من از عموم مسلمانان جهان و دولت‌های اسلامی میخواهم که برای کوتاه کردن دست این غاصب و پشتیبانان آن به هم بپیوندند، و جمیع مسلمانان جهان را دعوت میکنم آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که از ایام قدر است و میتواند تعیین‌کننده سرنوشت مردم فلسطین نیز باشد، به‌عنوان «روز قدس» انتخاب، و طی مراسمی هم‌بستگی بین‌المللی مسلمانان را در حمایت از حقوق قانونی مردم مسلمان اعلام نمایند. از خداوند متعال پیروزی مسلمانان را بر اهل کفر خواستارم. و السلام علیکم و رحمة الله و بركاته. روح الله الموسوی الخمينی (صحیفه امام، ج ۹، ص ۲۶۷)

۱. این‌ها می‌خواهند هیچ عنصر مقاومتی در این منطقه وجود نداشته باشد. اصل عنصر مقاومت را جمهوری اسلامی می‌دانند. البته این را درست فهمیده‌اند. این‌جا مرکز مقاومت است. این‌جا جایی است که ما اگر هیچ اقدامی هم نکنیم، هیچ حرفی هم نزنیم، خود وجود جمهوری اسلامی به ملت‌های منطقه الهام می‌دهد. یک موجودیتی، یک هویتی که علی‌رغم همهٔ قدرت‌های استکباری و به کوری چشم آنها این‌جور در این منطقه قد کشیده و روز به روز ریشه‌دارتر می‌شود؛ روز به روز قوی‌تر می‌شود. خود وجود این پیکرهٔ عظیم و پرشکوه، خار چشم استکبار است و امیددهندهٔ به ملت‌ها. بله، این‌جا مرکز مقاومت است؛ در این شکی نیست. دیگران هم از این‌جا الهام گرفتند؛ منتها برای این‌که این مقاومت را درهم بکوبند، حلقهٔ ضعیف را اول هدف قرار دادند؛ دولت مردمی منتخب حماس در غزه. او را مظلوم گیر آوردند؛ او را دارند می‌کوبند. هر کس در دنیای اسلام، امروز قضیهٔ غزه را یک قضیهٔ منطقه‌ای و شخصی و محلی بداند، دچار همان خواب خرگوشی‌ای است که پدر ملت‌ها را تا حالا درآورده است. نه، این قضیهٔ غزه، فقط قضیهٔ غزه نیست؛ قضیهٔ منطقه است. فعلاً آن‌جا نقطهٔ ضعیف‌تر است، تهاجم را از آن‌جا شروع کردند و اگر موفق شدند، دست از سر منطقه برنمی‌دارند. دولت‌های کشورهای مسلمانی که حول و حوش آن منطقه هستند و کمکی که باید بکنند و می‌توانند بکنند، نمی‌کنند، دارند اشتباه می‌کنند؛ اشتباه می‌کنند. هرچه در این منطقه میخ اسرائیل بیشتر فرو برود، تسلط استکبار بیشتر بشود، بدبختی این دولت‌ها و ضعف و ذلت این دولت‌ها بیشتر خواهد شد. چرا ملتفت نیستند؟ و دولت‌ها، ملت‌ها را هم دنبال خودشان به ذلت می‌کشانند. یک دولت ذلیل و مطیع و وابسته، یک ملت را مطیع و ذلیل و وابسته می‌کند. این است که ملت‌ها باید به خود ببینند. (بیانات در دیدار مردم قم به مناسبت قیام نوزدهم دی، ۱۳۸۷/۱/۱۹، دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=5383>

داشت و شخصیتی دغدغه‌مند در حوزه مقاومت بود. رابطه نزدیک وی با سردار شهید قاسم سلیمانی و حمایت‌های بی‌شمار وی از دیپلماسی مقاومت، مؤید این حقیقت است.

مجله آمریکایی «فارن پالیسی» در شهریور ۱۴۰۰ در گزارشی درباره تعهد و توجه شهید امیرعبداللهیان به محور مقاومت منطقه نوشته بود: «امیرعبداللهیان، قاسم سلیمانی عرصه دیپلماسی است»^۱.

تلاش‌های مجاهدانه ایشان در موضوع فلسطین، محدود به آغاز جنگ غزه در طوفان الاقصی نیست؛ بلکه وی در سمت‌های دبیرکلی کنفرانس حمایت از انتفاضه فلسطین و مشاور ارشد رئیس مجلس شورای اسلامی، زنده نگه داشتن آرمان فلسطین را در سطح افکار عمومی و در صحنه دیپلماسی عمومی در دستور کار خود قرار داده بود.

توجه و تلاش شهید امیرعبداللهیان برای افشای جنایت‌های رژیم صهیونیستی در غزه و متوقف ساختن روند نسل‌کشی در این منطقه، به حدی بود که دفتر رسانه‌ای دولت غزه در پی شهادت وی با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که شهادت رئیس‌جمهور و وزیر خارجه، ضایعه‌ای بزرگ برای ملت فلسطین، امت اسلام و محور مقاومت است.^۲

۴. کمک‌های نظامی؛^۳

1. <https://foreignpolicy.com/2021/09/17/amir-abdollahian-iran-foreign-minister-suleimani>

۲. خبرگزاری میزان، ۷ خرداد ۱۴۰۳، کد خبر: ۴۷۷۴۴۴۳.

۳. «زیاد النخاله» دبیرکل جهاد اسلامی فلسطین در این رابطه می‌گوید:

قدرت و امکاناتی که امروز غزه به آن دست یافته است، نتیجه تلاش‌های بزرگ شهید سلیمانی است. گام راهبردی سردار سلیمانی با ارسال موشک‌ها و اسلحه‌ها به نوار غزه آغاز شد و این مسئله شبیه یک معجزه بود و از نظر فنی و امنیتی و امکان‌پذیر بودن، بسیار سخت بود، اما انجام شد. سردار سلیمانی شخصاً در این مسیر تلاش کرد و به کشورهای متعدد سفر کرد و برای رساندن این سلاح‌ها برنامه‌ریزی و مقدمه‌چینی کرد و واقعاً این سلاح‌ها به غزه رسید. سلاح‌هایی که سردار سلیمانی به نوار غزه رساند، با همان موشک‌ها راه برای مبارزان تل‌آویو باز شد.

۵. تعطیل کردن سفارت اسرائیل و آمریکا؛

۶. به رسمیت نشناختن کشوری به نام اسرائیل و در نتیجه، مسابقه ندادن با نمایندگان آن در میادین ورزشی؛^۱

«اسامه حمدان» عضو ارشد جنبش مقاومت اسلامی حماس نیز می‌گوید: بخشی از این موشک‌ها از سوریه به فلسطین منتقل شد. وی سخنان چندسال قبل دبیرکل حزب‌الله لبنان درباره ارسال موشک‌های ضدزره «کورنت» از سوریه به حزب‌الله و حماس با وساطت شهید سلیمانی را تأیید کرد و گفت: شهید سلیمانی تصمیم گرفت موشک‌های کورنت به نوارزهره فرستاده شوند و این اتفاق هم افتاد. «احمد عبدالهادی» عضو دفتر سیاسی جنبش مقاومت اسلامی می‌گوید: اندیشه احداث تونل در غزه که امروز بیش از ۳۰ کیلومتر تونل در آن احداث شده و آنان (صهیونیست‌ها) این را به خوبی می‌فهمند و همین کافی است، از طرف دو نفر، یکی فرمانده شهید «عماد مغنیه» و دوم حاج قاسم سلیمانی مطرح شد. «خالد احمد جبریل» فرزند مرحوم احمد جبریل، رهبر جبهه مردمی برای آزادی فلسطین (فرماندهی کل) در مصاحبه اختصاصی با تسنیم، درباره کمک‌های سردار سلیمانی به مقاومت می‌گوید: حاج قاسم تلاش عظیمی برای حمایت از گروه‌های مقاومت فلسطین انجام داد. ما و شما می‌دانیم که نوار غزه یک منطقه جغرافیایی باریک است که رژیم صهیونیستی آن را از زمین و دریا و هوا محاصره کرده است، اما با وجود این مسئله، در آخرین نبردی که نبرد «شمشیر قدس» نام داشت، شاهد تحول کیفی و قابل توجه در زرادخانه‌های موشکی مقاومت فلسطین بودیم. همه می‌دانیم که شهید قاسم سلیمانی نقشی محوری در رساندن مقاومت فلسطین به وضعیت خودکفایی در این سطح از زرادخانه‌های موشکی داشت. (وبسایت خبریان، کد خبر: ۳۸۸۵۷۱۰۴)

۱. ورزش یکی از میادینی است که رژیم صهیونیستی در آن به دنبال کسب مشروعیت است. بنابراین موضوع به رسمیت نشناختن رژیم جنایتکار صهیونیستی در میادین ورزشی، موضوع مهمی است: مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «رژیم سقاک و نسل‌کش و نامشروع سعی می‌کند با حضور خود در میدان‌های ورزشی بین‌المللی برای خودش مشروعیت دست و پا کند. برای این کار از میدان‌های ورزشی استفاده می‌کند و مستکبرین جهانی و وابستگان آنها هم کمک می‌کنند و از او پشتیبانی می‌کنند». بیانات در دیدار با قهرمانان المپیک و پارالمپیک توکیو، ۱۴۰۰/۰۶/۲۷.

بر همین اساس، رویارویی با حریف از رژیم صهیونیستی در مسابقات بین‌المللی و مسابقه دادن «به معنای به رسمیت شناختن رژیم غاصب، جلاد و کودک‌کش و پامال کردن پیروزی اخلاقی به بهای پیروزی فتنی و ظاهری است که به هیچ‌وجه ارزش ندارد». ۱۴۰۱/۰۶/۲۰ «اگر کسی این اصل را زیر پا بگذارد، معنایش این است که برای خاطر به دست آوردن پیروزی فتنی و ظاهری، آن پیروزی اخلاقی را زیر پا له کرده. شما اگر چنانچه با او مسابقه بدهید، با او روبه‌رو بشوید، در واقع آن رژیم غاصب را، [آن] رژیم کودک‌کش و جلاد را به رسمیت شناخته‌اید». ۱۴۰۱/۰۶/۲۰

«این‌که ورزشکار ما به علت مسابقه ندادن با فرستادگان رژیم صهیونیستی از مدال محروم می‌شود، در واقع یک پیروزی است». ۱۴۰۱/۰۶/۲۰ «این یک پیروزی خیلی بزرگی است؛ این از آن پیروزی فتنی اگر مهم‌تر نباشد، کمتر نیست... بنابراین، هرچه منافع هم داشته باشد، نمی‌ارزد که انسان [با او مسابقه بدهد]». ۱۴۰۱/۰۶/۲۰

۷. معرفی صهیونیسم به عنوان غدۀ سرطانی؛
۸. روشنگری مداوم در سخنرانی‌های امامین انقلاب؛
۹. تولید شعار مرگ بر آمریکا به عنوان حامی و سرپرست و مرگ بر اسرائیل و تدام بر آن طی ۴۴ سال گذشته؛^۲
۱۰. کمک‌های مالی.

پاسخ به شبههٔ «چراغی که به خانه رواست ...»

**چراغی که
به خانه رواست
به مسجد
حرام است؟؟؟**



البته شاید بعضی بگویند: تمام این مطالبی که گفتید قبول، فقط کمک‌هایی که باعث می‌شود بودجه مملکت در جای دیگری خرج شود، درحالی‌که مردم خودمان به شدت به این پول نیاز دارند، اشتباه است! چراغی که به خانه رواست، به مسجد حرام است!

۱. «امام بزرگوار همان کسی است که در مورد مسئله رژیم صهیونیستی، از هیچ‌کس تقیه نکرد؛ این‌که رژیم صهیونیستی یک غدۀ سرطانی است و باید از بین برود، سخن امام است». ۱۳۹۲/۰۶/۱۴ «موضع ما در مقابل اسرائیل، همان موضع همیشگی است. اسرائیل در منطقه، یک غدۀ بدخیم سرطانی است که باید قطع شود و ریشه‌کن گردد». ۱۳۷۰/۰۵/۰۹

۲. «بعضی‌ها می‌گویند: مرگ بر آمریکا می‌گویید، آمریکایی‌ها با شما دشمنی می‌کنند؛ من می‌گویم نه، در آن روزی که آمریکایی‌ها دشمنی را شروع کردند، یعنی در بیست‌وهشتم مرداد، در ایران هیچ‌کس مرگ بر آمریکا نمی‌گفت، اما آنها ضربهٔ خودشان را زدند؛ ضربهٔ آنها ناشی از مرگ بر آمریکا نیست. بعد که ضربه زدند، در شانزدهم آذر همان سال دانشجویها در دانشگاه تهران گفتند مرگ بر آمریکا؛ مرگ بر آمریکا یادگار شانزدهم آذر است. از آن وقت گفته شد مرگ بر آمریکا. آمریکایی‌ها قبل از آن، ضربه را زده بودند». ۱۴۰۱/۰۸/۱۱

در پاسخ می‌گوییم: وقتی بحث کمک به مظلوم، یک بحث انسانی است، دیگر حد و مرز نمی‌شناسد؛ بلکه ملاک اولویت برای کمک کردن، شدت نیاز است. فرض کنید در موقعیتی قرار می‌گیرید که فرزند عزیزتان زمین خورده و گریه می‌کند و با نگاهی پر از درد از شما کمک می‌خواهد؛ در همان حال یک غریبه چند متر جلوتر در رودخانه افتاده و در حال غرق شدن است و دست نیازش را برای نجات از مرگ به سمت شما دراز کرده است. در این جا یک لحظه تعلل شما کافی است تا انسانی از بین برود. آیا شما می‌تونید بگویید که من به خاطر علقه‌ای که به فرزندم داشتم، اول دست او را گرفتم و از روی زمین بلند کردم و پاهایش را که در حال خون‌ریزی بود، پانسمان کردم و بعد دویدم تا غریبه را نجات دهم؛ اما دیدم کار از کار گذشته و غرق شده است؟!

کدام وجدان بیداری این را از شما می‌پذیرد؟ کدام منطقی به ما اجازه می‌دهد که فریاد هزاران انسان بی‌گناه را که مظلومانه در زیر چکمه‌های دیوان سنگدل در حال جان دادن هستند، رها کنیم، به این بهانه که مردم ما هم رفتاری‌هایی دارند و اول باید آن‌ها حل شود! چه تضمینی هست که پس از حل مشکل بی‌کاری و مسکن و درآمد مردم خودمان، دیگر رمقی برای آن طفل معصوم مظلوم فلسطینی مانده باشد؟!



مسئله ما رفاه بیشتر است و مسئله او پیدا کردن نانی برای ادامه حیات؛ مسئله ما صاحب خانه شدن یک مستأجر است و مسئله او نجات از زیر آوار خانه‌ای است که منفجر شده؛ مسئله ما آبادتر شدن شهرمان است و مسئله او آواره شدن و رانده شدن از دیار و خانه و کاشانه‌اش؛

مسئله ما باکیفیت‌تر شدن خودرو است و مسئله او زیر تانک دشمن نرفتن؛

مسئله من، بهتر زیستن است و مسئله او امکان زیستن.

به کدام یک باید رسید؟ دست کدام یک را زودتر باید گرفت؟
و جدانمان چه می‌گوید؟



«طوفان الاقصی» به عنوان مهم‌ترین دستاورد جبهه مقاومت امروز در مقابل چشمان مردم دنیا است که تحولی عظیم در تمام معادلات غرب ایجاد کرد.^۱

۱. نظرات خودمان را فعلاً می‌گذاریم کنار؛ من نظرات کسانی را عرض می‌کنم که از لحاظ جهت‌گیری و رویکرد با ما همراه نیستند. همه تحلیلگران غربی، اعم از اروپایی، آمریکایی و حتی وابستگان به خود رژیم صهیونیستی معتقدند که در این عملیات، رژیم صهیونیستی با همه تظاهر و بال‌وکوپال، از گروه معدود مقاومت شکست سختی خورده است. آن‌ها می‌گویند رژیم صهیونیستی هشت‌ماه بعد از طوفان الاقصی، با این همه تلاش، به هیچ‌کدام از هدف‌های حداقلی خود هم نرسیده؛ این را تحلیلگران غربی می‌گویند. از این بالاتر، یک تحلیلگر غربی قضاوتش این است و این جور می‌گوید که طوفان الاقصی رویدادی است که می‌تواند تغییردهنده قرن بیست و یکم باشد؛ این تلقی یک تحلیلگر معروف غربی است - بنده نمی‌خواهم اسم آن‌ها را بیاورم - یک تحلیل دیگر از یک تحلیلگر دیگر غربی می‌گوید: طوفان الاقصی جهان را تغییر خواهد داد. یک تحلیلگر امنیتی صهیونیست، مربوط به داخل خود رژیم صهیونیستی، [وقتی] می‌خواهد بگوید درون سران و مسئولان بالای رژیم صهیونیستی آشفتگی وجود دارد، سرگیجه وجود دارد و نمی‌دانند چه کار باید بکنند، این جور می‌گوید که اگر محتوای بحث‌ها و اختلافات مقامات اسرائیل در رسانه‌ها منتشر شود، چهار میلیون نفر از اسرائیل خواهند رفت؛ مهاجرت معکوس؛ یعنی سرگیجه و آشفتگی و دست‌پاچی در میان مقامات اسرائیل در یک چنین حدی است. توجه کنید! این خیلی مهم است. یک موزخ اسرائیلی می‌گوید: «پروژه صهیونیستی، نفس‌های آخر خود را می‌کشد - این را یک تحلیلگر و موزخ صهیونیست می‌گوید - و ما در آغاز پایان رژیم صهیونیستی هستیم؛ ارتش در حفاظت از جامعه یهودی در جنوب و شمال اسرائیل شکست‌خورده است». ارتشی که ادعا می‌کرد جزو قوی‌ترین ارتش‌های دنیا است در داخل سرزمین خود شکست خورده؛ از چه کسی شکست خورده؟! از یک دولت قوی؟! نه، از گروه‌های مقاومت، از حماس، از حزب الله؛ از این‌ها شکست خورده. طوفان الاقصی این است. (بیانات در مراسم سی‌وپنجمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی رحمته‌الله، ۱۴/۳/۱۴۰۳)

خودشان اعلام می‌کنند که:

* در این عملیات، رژیم صهیونیستی با همه تظاهر و یال‌وکوپال، از گروه معدود مقاومت شکست سختی خورده است.

* طوفان الاقصی رویدادی است که می‌تواند تغییردهنده قرن بیست و یکم باشد.

* طوفان الاقصی جهان را تغییر خواهد داد.

* درون سران و مسئولان بالای رژیم صهیونیستی آشفتگی وجود دارد، سرگیجه وجود دارد و نمی‌دانند چه کار باید بکنند! * پروژه صهیونیستی، نفس‌های آخر خود را می‌کشد.



عملیات «وعدۀ صادق» یکی از بزرگ‌ترین حمایت‌های ایران از فلسطین و بلکه عزت و سربلندی برای جهان عرب بود.

برای اولین بار کشوری که بمب اتم ندارد، به یک کشور اتمی حمله کرد و کشور اتمی اسرائیل در جواب هیچ غلطی نتوانست بکند.

برای اولین بار بزرگ‌ترین حمله پهبادی تاریخ انجام شد.

برای اولین بار ایران حمله مستقیم به اسرائیل داشت و امن‌ترین نقاط اسرائیل را هدف قرار داد.

دلایل کمک ایران به مسئله فلسطین^۱

چرا به کمک ایران به فلسطین



۱. به طرف نباشیم.
۲. وجود اسرائیل تهدید بزرگ همه دولت‌هاک منطقه است.
۳. کمک به مظلوم مرز نمی‌شناسد.
۴. دشمنی ویژه صهیونیسم با ایران
۵. قبله اول مسلمین و عقبه تاریخ مذهب

شاید این سوال هنوز در ذهن بعضی از مخاطبین وجود داشته باشد که فلسطین چه ربطی به ما دارد، چرا باید به آن‌ها کمک کنیم:

۱. همه مطالبی که تا اینجا در نکوهش بی‌طرفی و لزوم کمک به مظلوم بیان کردیم. در همین زمینه آقای حسین خزائی شعری زیبا سروده که می‌فرماید:

یک نفر داد زد چرا غزه

نان ما واجب است یا غزه

جنگ آنها به ما چه مربوط است

خاک ایران کجا، کجا، غزه

خودمان بدتر از فلسطینیم

چقدر هی عزا، عزا، غزه

۱. «ملت‌های اسلامی به هر نحو که می‌توانند، باید انواع کمک‌های خودشان را به آن مردمی که دارند در داخل فلسطین مبارزه می‌کنند، برسانند. این یک تکلیف شرعی و الهی و انسانی است. اگر امروز شما مسلمانان عقب بنشینید، بدانید که دشمن یک سنگر جلو می‌آید - دشمنی که تمام نمی‌شود - اسرائیل یک سنگر جلو می‌آید؛ آمریکا که دشمن جهان اسلام است، یک سنگر جلو می‌آید. اگر شما عقب بنشینید، آنها جلو می‌آیند. دشمنی میان آنها و میان شما امت اسلام که تمام نخواهد شد. خواسته‌های استکباری استکبار که تمامی ندارد» (۱۳۷۰/۷/۲۷)

حاج قاسم بلند شو از جا
 بگو از اصل ماجرا؛ غزه
 حاج قاسم بگو هدف ماییم
 خورده موشک به جای ما غزه
 همه کفر یک طرف هستند
 تک و تنه است با خدا، غزه
 می زنندش به جرم آزادی
 از زمین غزه، از هوا، غزه
 بسکه هشتاد سال ناله زده
 در گلویش نمانده نا، غزه
 همه ملت امام حسین علیه السلام
 با تو هستیم هم صدا، غزه
 مرگ بر واژه حقوق بشر
 مرگ بر هر چه ادعا، غزه
 بی طرف ها همیشه بی شرف اند
 ای شهید سکوت ها، غزه
 بدنش مثل حاجیان منا
 له شده زیر دست و پا، غزه
 السلام علیک یا مظلوم
 السلام علیک یا غزه
 شرم بر ماکه زنده ایم هنوز
 شده امروز کربلا، غزه
 غزه را سر برید اسرائیل
 یا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بی اغزه
 مرز را وا کنید تا برویم
 به خدامی دویم تا غزه

فتح غزه است، فتح خرمشهر

غم نخور می‌شوی رها، غزه

خون مظلوم می‌کند از جا

ریشه هر چه ظلم را، غزه

۲. وجود این غده سرطانی در خاورمیانه تهدیدی برای همه دولت‌های منطقه و بلکه جهان است. مقام معظم رهبری می‌فرماید:

از حدود صد سال قبل یک هسته صهیونیستی در اروپا به وجود آمد که با انگیزه انتقام‌گیری از نوع بشر شروع کردند به گسترش و رشد یافتن. این‌ها با یک ملت خاص دشمن نبودند؛ با بشریت دشمن بودند.^۱

۳. اگر ملاک کمک، مظلومیت انسان‌هاست، دیگر این کمک کردن مرز نمی‌شناسد.

کوه باشی، سیل یا باران... چه فرقی می‌کند

سرو باشی، باد یا طوفان... چه فرقی می‌کند؟

مرزها سهم زمین‌اند و تو اهل آسمان

آسمان شام با ایران چه فرقی می‌کند؟

قفل باید بشکند باید قفس را بشکنیم

حصر «الزهرا» و «آبادان» چه فرقی می‌کند؟

مرز ما عشق است هر جا و است آنجا خاک ماست

سامرا، غزه، حلب، تهران چه فرقی می‌کند؟

هر که را صبح شهادت نیست شام مرگ هست

بی شهادت مرگ با خسران چه فرقی می‌کند؟

شعله در شعله تن ققنوس می‌سوزد ولی

لحظه آغاز با پایان چه فرقی می‌کند؟

شهید حسین آشتیانی در وصیت نامه خود آورده است:

برادران و خواهران حزب اللهی، مسئولیتی خطیر بر عهده داریم، تکرار می‌کنم: مسئولیتی خطیر بر عهده داریم؛ خداوند متعال ناظر بر اعمال ماست. کودکان آواره فلسطینی، پیرزن نالان افغانی، مسلمانان در بند سلاطین، به این انقلاب و این امت چشم دوخته‌اند.^۱

۴. دشمنی ویژه صهیونیسم با ایران.^۲

۱. سنگ محک، سید محمدحسین راجی، ص ۲۷۵ و ۲۷۶.
۲. جمهوری اسلامی در حال یک مبارزه همه‌جانبه است؛ کسی تردید ندارد؛ همه این را قبول داریم که جمهوری اسلامی در حال یک مبارزه سخت و یک مبارزه همه‌جانبه است؛ نه فقط در زمینه سیاسی، [بلکه] در زمینه فرهنگی، در زمینه اقتصادی، در زمینه اجتماعی، در زمینه امنیتی، ما در حال مبارزه‌ایم. [البته] جنگ نظامی و مبارزه نظامی هم در برهه‌ای از زمان بوده که متوقف شده و [الآن] نیست، اما سخت‌تر از آن، جنگ‌های امنیتی است؛ جنگ‌های اقتصادی است؛ جنگ‌های فرهنگی است که ما در حال جنگیم. این را هیچ‌کس نمی‌تواند انکار کند. بله، کسانی هستند که به این که ما در این وضعیت هستیم - در حال جنگ هستیم - اعتراض دارند که چرا با دنیا باید ما جنگ داشته باشیم؟! کسانی هستند که معترض به این معنا هستند. تصور آنها این است که جمهوری اسلامی این جنگ را شروع کرده؛ لذا می‌گویند خب چرا ما این جور و در این وضع هستیم؟ به نظر ما این غفلت است. جمهوری اسلامی جنگی را با این ابعاد با دنیا شروع نکرده، بلکه نفس وجود جمهوری اسلامی یعنی آرمان‌ها و اهداف و شعارهایی که در جمهوری اسلامی مطرح است - که خلاصه می‌شود در حکومت دین، خلاصه می‌شود در جامعه دینی - دشمن درست‌کن است، دشمن تراش است، جنگ‌راه‌بینداز است. این همان جنگ معروف حق و باطل است که در طول تاریخ بوده؛ این چیز جدیدی هم نیست؛ هرجایی که نغمه توحید بلند شد و عدالت مطرح شد، دشمنانی در آن‌جا به وجود آمدند؛ این مال امروز نیست: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَاطِئِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ * وَلِتَصْغِيَ إِلَيْهِ الْأَفْئِدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَلِيَرَبُّهُمُ وَلِيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُقْتَرِفُونَ». ابغض جبهه باطل با یکدیگر همکاری می‌کنند، یعنی هم همکاری می‌کنند و هم طرفدار پیدا می‌کنند؛ کسانی اصغاء می‌کنند حرف‌های این‌ها را و گوش می‌کنند و دنبال این‌ها حرکت می‌کنند؛ این [طور] هست. ما در جمهوری اسلامی شعارمان عبارت است از توحید، از ولایت الله و ولایت اولیاء الله، عدالت اجتماعی، تکریم انسان. این شعارهایی که ما داریم و دنبالش هستیم، این‌هاست، و این‌ها دشمن دارد. ما با ظلم مخالفیم؛ «کونا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَلِلْمَظْلُومِ غَوْنًا». ما این مکتب را داریم؛ خصم ظالمیم، عون مظلومیم. این موضع، طبعاً دشمن به وجود می‌آورد؛ دشمنی به وجود می‌آورد؛ دعوا راه می‌اندازد؛ این هست. بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۶/۱۲/۲۴.

۵. قبلهٔ اول مسلمین و عقبهٔ تاریخی و مذهبی^۱

۱. «فلسطین و قدس در قرآن مجید» سرزمین مقدّس» نامیده شده است. ده‌ها سال است که این سرزمین پاک در اشغال ناپاک‌ترین و خبیث‌ترین آحاد بشر است؛ شیاطینی که انسان‌های شریف را به خاک و خون می‌کشند و آن‌گاه با وقاحت به آن اعتراف می‌کنند». سخنرانی تلویزیونی به مناسبت روز جهانی قدس، ۱۴۰۰/۲/۱۷.



رفتارسازی

در این قسمت می‌خواهیم راه نجات از بی‌طرفی که همان مدد جبهه حق و شکست باطل است و امروز در مسئله فلسطین بروز کرده را به مخاطب بگوییم و آن چیزی نیست جز کمک در راستای رسیدن به ایران قوی.

راه حل



و اما راه حل دچارنشدن به بی‌طرفی و بی‌تفاوتی، وارد میدان مبارزه با ظالم شدن و حمایت از مظلومین است، که

امروز مصداق بارز آن مسئله فلسطین و نابودی صهیونیسم بین‌المللی است. ولی فقیه زمان معتقد است که: مسئله فلسطین مسئله اول دنیا است.^۱

مقام معظم رهبری برای حل مسئله فلسطین می‌فرمایند:

راه نجات مسئله فلسطین و حل مسئله فلسطین، جز راه مبارزه نیست... آن‌کسی که این راه را قبول ندارد، چه دانسته و چه ندانسته، دارد به مسئله فلسطین ضربه می‌زند. اگر دانسته باشد، اسمش خیانت است؛ اگر ندانسته باشد، اسمش جهل و غفلت است. علی‌ای حال ضربه است به مسئله فلسطین؛ ضربه می‌زنند به مسئله فلسطین. فلسطین هیچ راهی جز مقاومت ندارد؛ این را باید بگویند؛ باید بخواهند؛ دولت‌های اسلامی هم باید همین را تکرار کنند.^۲



راه حل دوم

مراجعه به

آراء عمومی

مردم فلسطین

ثانیاً بها دادن به فهم و شعور مردم خود فلسطین و فراهم آوردن شرایط برای برگزاری انتخابات آزاد، که منجر به محو سران اسرائیل خواهد شد. این راه حل را بارها خود مردم فلسطین فریاد زده‌اند و رهبر

۱. بیانات در مراسم سی و پنجمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۴۰۳/۳/۱۴.

۲. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در افتتاحیه همایش غزه، ۱۳۸۸/۱۲/۰۸.

جهان اسلام برای مجامع بین‌المللی تبیین کرده‌اند.

آیا این خواسته‌زیادی است که مردم فلسطین باید برای رسیدن به آن این قدر زجر بکشند و شهید شوند؟ ارزش انتخابات را مردم فلسطین که بیش از صد سال است با رؤیای یک حق انتخاب انتظار کشیده‌اند، خیلی خوب درک می‌کنند.^۱ کشور ایران برای تحقق این راه‌حل‌ها باید تمام تلاش خود را به‌کار گیرد.

ما برای رسیدن به این راه‌حل‌ها و تحقق آن، نیاز به قدرت داریم و الا نمی‌توانیم با صهیونیست که حامیانی درنده‌خو مثل آمریکا و انگلیس و استکبار جهانی دارد و مانع از نابودی و اضمحلال صهیونیست و نجات ملت‌های مظلوم منطقه‌اند مقابله کنیم.

۱. «مکرر در بیانات امام راحل (رضوان الله تعالی علیه) و بیانات مسئولین جمهوری اسلامی، محو دولت اسرائیل مطرح شده است. دشمنان این را بد معنا می‌کنند. محو دولت اسرائیل به معنای محو مردم یهودی نیست - ما با آنها هیچ کاری نداریم - [منظور] محو آن حکومت است؛ محو آن رژیم تحمیلی است. یعنی مردم فلسطین که صاحبان واقعی آن سرزمینند - چه مسلمانان، چه مسیحی‌شان، چه یهودی‌شان - خود صاحبان اصلی دولت خودشان را انتخاب بکنند؛ بیگانه‌ها و اراذل و اوباشی مثل نتانیاهو و مانند اینها را که واقعاً اراذل هستند، از بین خودشان ازاله کنند، بیرون کنند، کشور را خودشان اداره کنند. محو اسرائیل یعنی این، و این اتفاق خواهد افتاد». ۱۳۹۸/۸/۲۴

راههای کسب قدرت



ما برای رسیدن به این راه‌حل و تحقق آن، نیاز به قدرت داریم که عبارت‌اند از:



۱. پیشرفت معنوی و اتصال به خدا!

۱. «در این راه عظمت و عزتی که ملت ایران در پیش دارد، توجه به خدا و توکل به خدا و ارتباط با خدا، یک نقش بزرگ و اساسی دارد. عده‌ای غافلند؛ همه‌اش روی محاسبات مادی محض محاسبه می‌کنند؛ در محاسباتشان معنویت و کمک الهی و توکل به خدا و حسن ظن به وعده الهی کأنه هیچ راهی ندارد. خب این محاسبات مادی را مستکبرین عالم هم دارند می‌کنند؛ بهتر از شما هم می‌کنند؛ چرا روزه روز عقب می‌روند؟ چرا دچار این همه مشکلات می‌شوند؟

مشارکت مردم در اقتصاد

اقتصاد مقاومتی، مردم‌بنیاد
 است؛ اقتصاد مردمی است؛
 با اراده‌ی مردم، سرمایه‌ی
 مردم، حضور مردم تحقق
 پیدا می‌کند.



۲. پیشرفت اقتصادی^۱

چرا مجبور می‌شوند ظلم کنند؟ چرا مجبور می‌شوند لشگرکشی کنند - به افغانستان، به عراق، به پاکستان - انسان‌های بی‌گناه را بکشند؟ «وَأَيُّمَا يَحْتَاجُ إِلَى الظُّلْمِ ضَعِيفُهُ» (صحیفه سجادیه دعای ۴۸). آن کسی که ضعیف است، احتیاج دارد به این که ظلم بکند؛ ضعیفند که ظلم می‌کنند؛ چون دستشان با سلاح آشناست، این سلاح را بی‌محابا به کار می‌برند؛ ظالمانه، متجاوزانه، خودسرانه، خب این خودش عقب‌رفت است؛ هم عقب‌رفت در معیارهای معنوی، هم عقب‌رفت در محاسبات مادی. روزبه‌روز تمدن غرب دارد مشکلات بیشتری در اطراف خود می‌تند، و این مشکلات این‌ها را از پا خواهد انداخت. این به‌خاطر قطع ارتباط با مبدأ هستی است؛ این به‌خاطر قطع ارتباط با معدن نور و عظمت است: «فَتَصِلُ إِلَى مَعْدِنِ الْعَظَمَةِ، وَ تَصِيرُ أَرَوَّاحُنَا مُعَلَّقَةً بِعِزِّ قُدْسِيكَ» (صحیفه سجادیه، دعای ۴۸). این‌ها لازم است. امروز برای ملت ایران این زمینه آماده است». بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۹۲/۳/۲۲.

۱. در این سال هم مسئله عمده کشور عبارت است از اقتصاد. نقطه ضعف اساسی کشور عبارت است از مسئله اقتصاد، باید در این زمینه‌ها فعال عمل کنیم.

بنده با مطالعه نظرات کارشناسان این مسئله به این نتیجه می‌رسم که یک کلید اساسی برای حل مشکلات اقتصادی کشور عبارت است از مسئله تولید؛ تولید داخلی، تولید ملی، برای همین هم هست که در این چند سال گذشته بر روی تولید ما تکیه کردیم. اگر رشد تولید و حرکت روبه‌جلو در تولید ملی به‌نحو مطلوب انجام بگیرد، بسیاری از مشکلات مهم اقتصادی مثل مسئله تورم، مسئله اشتغال و مسئله ارزش پول ملی، این مسائل اساسی اقتصاد به‌نحو خوبی به‌سمت حل پیش خواهد رفت. مسئله تولید بنابراین مسئله مهمی است و به همین جهت امسال هم روی مسئله تولید تکیه می‌کنم و توقع دارم، انتظار دارم که ان‌شاءالله یک جهشی در کار تولید اتفاق بیفتد امسال، و به‌جداً اعتقاد دارم که این جهش بدون مشارکت مردم و بدون حضور مردم اتفاق نخواهد افتاد. اگر ما بخواهیم جهش تولید داشته باشیم، بایستی اقتصاد را مردمی کنیم، باید پای مردم را به عرصه تولید به‌نحو محسوسی باز کنیم، موانع حضور مردم را برطرف کنیم. در بخش مردمی ظرفیت‌های بزرگی وجود دارد که من ان‌شاءالله توضیح خواهم داد در این باره و این ظرفیت‌ها بایستی فعال بشود، باید از آن‌ها به نفع کشور و به نفع مردم استفاده بشود؛ لذا من به این مناسبت، شعار امسال را این



۳. پیشرفت علمی - فناوری؛

قرار دادم: «جهش تولید با مشارکت مردم» این شعار امسال است. امیدواریم ان شاء الله این شعار به بهترین وجهی تحقق پیدا کند. (پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال، ۱۴۰۳/۱/۱)

این اقتصادی که به عنوان اقتصاد مقاومتی مطرح می‌شود، مردم‌بنیاد است؛ یعنی بر محور دولت نیست و اقتصاد دولتی نیست، اقتصاد مردمی است؛ با اراده مردم، سرمایه مردم، حضور مردم تحقق پیدا می‌کند. اما «دولتی نیست» به این معنا نیست که دولت در قبال آن مسئولیتی ندارد؛ چرا، دولت مسئولیت برنامه‌ریزی، زمینه‌سازی، ظرفیت‌سازی، هدایت و کمک دارد. کار اقتصادی و فعالیت اقتصادی دست مردم است، مال مردم است؛ اما دولت به عنوان یک مسئول عمومی، نظارت می‌کند، هدایت می‌کند، کمک می‌کند. آنجایی که کسانی بخواهند سوءاستفاده کنند و دست به فساد اقتصادی بزنند، جلوی آن‌ها را می‌گیرد؛ آنجایی که کسانی احتیاج به کمک دارند، به آن‌ها کمک می‌کند. (بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۳/۱/۱)

۱. «ما پیشرفت‌های زیادی داشتیم؛ نمونه‌های متعددی داشتیم؛ یک قلم، پیشرفت علم است. ما در این سال‌های بعد از انقلاب، از لحاظ پیشرفت علمی، از همه دنیا جلوتر بودیم. این قضاوت من نیست؛ قضاوت مراکز بین‌المللی است؛ یعنی سرعت ما و شتاب پیشرفت علمی ما چندین برابر متوسّط جهان است که حالا بعضی گفته‌اند ده برابر، بعضی گفته‌اند سیزده برابر. خب علم خیلی مهم است: «أَلْعِلْمُ سُلْطَانٌ»؛ علم به معنای واقعی کلمه، قدرت است. این شعر معروف «توانا بود هر که دانا بود» حرف درستی است. «توانا بود هر که دانا بود». دانش برای یک کشور توانایی می‌آورد؛ اقتدار می‌آورد. ما در بخش‌های مختلف علمی پیشرفت‌هایی کردیم که در اوّل انقلاب تصوّرش را هم نمی‌کردیم. ماها خودمان در میدان‌های مقدّم انقلاب حضور داشتیم؛ اصلاً باورمان نمی‌آمد که ما در قضیه انرژی هسته‌ای، در قضیه نانو تکنولوژی، در قضیه بیوتکنولوژی، در قضایای گوناگون پزشکی‌های پیچیده، عمل‌های جراحی بسیار دشوار، در قضیه ناباروری، در قضیه سلول‌های بنیادی و بخش‌های مهم علمی گوناگون، بتوانیم این جور پیشرفت بکنیم که بحمدالله پیشرفت کردیم؛ جوان‌های ما همت کردند؛ حرکت کردند؛ پیشرفت کردند». بیانات در ارتباط تصویری با مردم آذربایجان شرقی، ۱۴۰۰/۱۱/۲۸.



۴. پیشرفت نظامی؛^۱

۱. هیچ‌کدام از این بازوهای قدرت نباید به نفع بازوهای دیگر قطع بشود؛ به این توجه داشته باشید، ما حق نداریم هیچ‌کدام از این عناصر قدرت را به خیال اینکه مثلاً با فلان عنصر دیگر منافعی است، قطع کنیم؛ نخیر، همه این‌ها باید با همدیگر به‌پیش بروند که این هم ممکن است. واقعاً ناشایسته است اگر کسی پیشنهاد کند که ما قدرت دفاعی‌مان را کم کنیم که دشمن‌ها روی ما حساس نشوند! به نظر بنده دیگر از این ناشایسته‌تر و ساده‌لوحانه‌تر چیزی نیست که آدم یک چنین حرفی بزند که برای اینکه روی ما حساس نشوند، ما قدرت دفاعی خودمان و توان امنیت خارجی خودمان را کم کنیم یا کاهش بدهیم. یا فرض بفرمایید که حضور در مسائل منطقه نداشته باشیم برای اینکه فلان قدرت بزرگ بدش نیاید یا علیه ما بهانه‌گیری نکند؛ نه، این حضور در مسائل منطقه، عمق راهبردی ما است؛ خود این، وسیله استحکام نظام است، وسیله قدرت نظام است؛ چطور این را ما از دست بدهیم وقتی یک چنین چیزی را می‌توانیم داشته باشیم و باید داشته باشیم؟ (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۴۰۰/۱۲/۱۹)



جزئیات عملیات وعده صادق^۱



۵. یکی از راحت‌ترین راه‌هایی که ما مردم برای اقتدار ایران می‌توانیم انجام دهیم، ایجاد پشتوانهٔ مردمی و اقتدار مردمی برای ایران، از طریق حضور در انتخابات است.

۱. رهبر انقلاب اسلامی اخیراً در جریان یک دیدار، با اشاره به اعترافات اندیشمندان غربی در خصوص اهمیت تاریخی و راهبردی عملیات تنبیهی ایران علیه رژیم صهیونیستی تأکید کردند که تاریخ منطقه غرب آسیا را باید به دو بخش قبل و بعد از عملیات وعده صادق تقسیم کرد. (خط حزب‌الله، شمارهٔ ۴۴۱، ۱۴۰۳)

هر مقدار این حضور وسیع‌تر و قوی‌تر باشد، نشانه اقتدار بیشترِ نظام اسلامی است. نظام اسلامی در مقابل چشم‌های دوستان و دشمنان خود در دنیا به این می‌بالد که تعداد حاضر شوندگان در پای صندوق‌های رأی، زیاد است. این مایه افتخار نظام اسلامی است. همه کسانی که در مقابل اسلام و آینده این کشور احساس مسئولیت می‌کنند، وظیفه دارند که در این آزمایش الهی شرکت کنند.^۱

کشوری که پشت‌گرمی‌اش به مردم است، جرئت اقدام پیدا می‌کند و دل دشمنانش را که قصد تعرض و ایجاد خلل دارند، می‌لرزاند؛ چون می‌بینند این دولت بی‌کس و کار نیست و مردم را دارد.

شرکت در انتخابات، علاوه بر این که باعث توانمندی بیشتر ایران برای کمک به مردم مظلوم غزه و تمام مظلومین عالم می‌شود، نشانه این است که ما نسبت به سرنوشت ۸۵ میلیون ایرانی بی‌طرف و بی‌تفاوت نیستیم. یعنی ما، هم نسبت به جامعه خود احساس مسئولیت داریم و بی‌تفاوت و بی‌طرف نیستیم و با شرکت در عرصه‌های حضور مثل انتخابات‌ها و راهپیمایی‌ها در پیشرفت و اقتدار کشور اثر می‌گذاریم و هم نسبت به جوامع مظلوم دنیا احساس هم‌دردی می‌کنیم و بی‌طرف نمی‌مانیم.

۱. بیانات در مراسم دوازدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، ۱۳۸۰/۳/۱۴.



۶. انتخاب رئیس جمهور اصلح نیز در اقتدار کلی کشور ایران بسیار مؤثر است. برخی از مهم ترین ملاک های رئیس جمهور اصلح عبارت است از^۱:

۱. معتقد به مبانی انقلاب؛

قال امیرالمؤمنین علیه السلام: يُسْتَدَلُّ عَلَى إِدْبَارِ الدُّوَلِ بِأَرْبَعٍ:
تَضْيِيعُ الْأَصُولِ وَ التَّمَسُّكِ بِالْفُرُوعِ وَ تَقْدِيمُ الْأَزْدِلِ وَ تَاخِيرُ
الْأَفَاضِلِ^۲

انخطاط دولت ها و حکومت ها را به چهار چیز می توان شناخت: ضایع کردن مسائل اصولی و پرداختن به مسائل فرعی و گزینش افراد فرومایه و به عقب راندن عناصر لایق و شایسته.

۱. ملت ایران برای اینکه بتواند در معادلات پیچیده بینالمللی، منافع خودش را حفظ کند و عمق راهبردی خودش را تثبیت کند و ظرفیت ها و استعداد های طبیعی و انسانی خودش را به مرحله بروز و ظهور برساند و کام مردم را شیرین کند و همچنین بتواند حفره ها و رخنه های اقتصادی و فرهنگی را پُر کند، احتیاج دارد به یک رئیس جمهور فعال، پُرکار، آگاه و معتقد به مبانی انقلاب. (بیانات در مراسم سی و پنجمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی ره)، ۱۴/۳/۱۴۰۳

۲. غررالحکم، ص ۳۴۲.

۲. آگاه؛

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرمایند:

من امارات الدوله اليقظه [التيقظ] لحراسه الامور؛^۱

از دلایل بقای دولت بیداری، آگاهی و هوشیاری در
حفظ و حراست امور است.

من دلائل الدوله قله الغفله؛^۲

از دلایل موفقیت کم غفلتی است.

آیت الله خزعلی می گویند:

در لیبی، خیمه ای برپا کرده بودند که ارتفاع در ورودی
آن خیمه کوتاه بود و به ناچار هرکس می خواست وارد
بشود، باید خم می شد. از طرفی داخل خیمه، روبروی در،
عکس قذافی بود، یعنی هرکس وارد می شد ناخواسته
در مقابل عکس قذافی سر خم می کرد. حضرت آیت الله
خامنه ای رحمته الله وقتی می خواستند وارد خیمه شوند، به
قهقرا (پشت) وارد می شوند تا در مقابل عکس قذافی
سر خم نکنند.^۳

این حرکت امام خامنه ای رحمته الله نشان داد که ایشان در راستای
حفظ اقتدار ملی و شأن اسلام حاضر نیستند که حتی اندکی مسامحه
نمایند.

۱. تصنیف غررالحکم، ص ۳۴۱.

۲. تصنیف غررالحکم، ص ۳۴۱.

۳. سنگ محک، سید محمد حسین راجی، ص ۱۴۸.

۳. پرکار؛

علی بهادری جهرمی سخنگوی دولت گفت:

شهادت هدیه خدا برای آقای رئیسی بود. حدود شش سال توفیق همکاری با آقای رئیسی در قوه قضاییه و دولت را داشتم. فاصله وی با همه کسانی که کار کرده‌ام از زمین تا آسمان است. وی واقعاً خستگی‌ناپذیر بود و برای خدمت به مردم شب و روز نمی‌شناختند. یک‌بار ایشان از سفر خارجی آمده بود و در فرودگاه به استقبالشان رفتم. همانجا داشت برای فردا برنامه‌ریزی می‌کرد تا جلسات را از ساعت ۷ شروع کنیم. همراهانش گفتند: یادمان نمی‌آید آخرین وعده غذایی را رئیس‌جمهور کی خورده است! رئیس‌جمهور گفت: قرص بیاورید سردرد دارم و من گفتم شما به استراحت نیاز دارید. رئیس‌جمهور رگباری به من گفت که فلان کارها را انجام داده‌ای؟! اصلاً اهل استراحت نبود. ما کم می‌آوردیم، ولی او از نماز صبح کارش را شروع می‌کرد. تعطیلی برای او معنا نداشت. برخی گلایه داشتند که چرا هنوز تعطیلی اعلام نکردید؟ در جلسه هیئت دولت، اعضای دولت گفتند: از رئیس‌جمهور می‌ترسیم اعلام تعطیلی کنیم. او می‌گفت: از خدمت به مردم انرژی می‌گیرم. می‌گفت دبیرخانه دولت تک‌تک فرمایشات رهبری را مرور کرده و تکالیف مربوط به دستگاه‌های دولتی را پیگیری کنند. این تکالیف را شخصاً از وزرا پیگیری می‌کردند. دنبال این بود که کارها عقب نیفتد. معتقد بود که ما باید خود را هزینه ولایت کنیم.^۱

۴. قوی و کارآمد؛

که این خصوصیت بیشترین فراوانی (حدود ۳۳ بار) را در بیانات مقام معظم رهبری داشته است.

برای یک ملت یکی از اساسی‌ترین مسائل این است که مردان شجاع و کارآمدی داشته باشد؛ برای این‌که از او در روز حادثه دفاع کنند.^۱

دو سه نقطه اساسی در مورد کارآمدی وجود دارد که من به آن‌ها اشاره می‌کنم. یکی این‌که عناصر نزدیک به خودتان را - که در واقع دست‌ها و بازوهای شما هستند - از آدمهایی انتخاب کنید که کار را بشناسند.

عامل مؤثر دیگر در کارآمدی، زیر نظر داشتن دائمی مدیران است.

از مجموعه مدیران ارشدتان گزارش بخواهید و به گزارش‌ها صددرد اعتماد نکنید. لازم نیست ابراز بی‌اعتمادی کنید؛ اما در دلتان جایی برای بی‌اعتمادی بگذارید؛ چون باز هم تجربه ما می‌گوید که بسیاری از گزارش‌ها با واقعیت تطبیق نمی‌کند.^۲

۵. شجاع؛

يَحْتَاجُ الْإِمَامُ إِلَى قَلْبٍ عَقُولٍ وَلِسَانٍ قَوْلٍ وَجَنَانٍ عَلَى
إِقَامَةِ الْحَقِّ صَوْلٍ.^۳

رهبر نیازمند قلبی است بسیار خردمند و زبانی گویا و دلی
در برپایی حق دلیر و شجاع.

۱. بیانات پس از بازدید از ستاد فرماندهی نیروی زمینی سپاه ۱۳۸۳/۱۲/۱۹

۲. بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیأت دولت ۱۳۸۰/۰۶/۰۵

۳. غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۸۰۹.

۶. دلسوز؛

به نظر من مهم‌ترین شرایط نماینده عبارت است از این‌که متدّین، کارآمد، دلسوز و شجاع باشد.^۱

نظام اسلامی نمی‌تواند نسبت به فرهنگ و اخلاق مردم خود بی‌تفاوت باشد. نظام اسلامی نظامی نیست که فقط به فکر حفظ قدرت خود باشد و نسبت به عملکرد مردم خود - حتی اگر به ورطه‌ی اخلاقی بیفتند - بی‌تفاوت بماند. نظام اسلامی از آنچه که مردم را منحرف و گمراه می‌کند، رنج می‌برد. «عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤوف رحیم (۱)»؛ این روش پیامبر گرامی است و نظام اسلامی همان روش را باید داشته باشد. نظام اسلامی نمی‌تواند نسبت به رنجهای معنوی، جسمانی و گمراهیهای فکر و دل مردم خود بی‌اعتنا باشد. این نظام وظیفه‌ی سنگینی بر عهده دارد. دستگاههای ما، بخصوص دستگاههای فرهنگی، وظیفه‌ی سنگینتری دارند؛ همچنان که دستگاههای اقتصادی و عمرانی کشور وظیفه‌ای سنگین بر عهده دارند.^۲

۷. ولایت‌پذیری.

زمانی که آیت‌الله شهید مدنی حکم امامت جمعه تبریز را از امام خمینی رحمة الله علیه می‌گیرند به راننده می‌گویند: برویم تبریز. راننده می‌گوید: آقا الان که شب است! شهید مدنی می‌گوید: می‌ترسم شب بمیرم و حکم امام را اجرا نکرده باشم.

بی‌سیم‌چی گردان حنظله با مرکز پیام سپاه ۱۱ قدر تماس گرفت و از

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۲/۱/۲۴.

۲. بیانات در دیدار جوانان و دانشجویان سیستان و بلوچستان ۱۳۸۱/۱۲/۰۶.

اپراتور مرکز پیام خواست شهید همت را پای بی سیم بیاورد. حاجی آمد و گوشی را بدست گرفت.

بی سیم چی حنظله برای اینکه خبر شهادت لحظه به لحظه تک تک کادرها و نیروهای گردانش را به همت بدهد، از اصطلاح جالبی استفاده می کرد. او می گفت: حاج آقا برادر فلانی هم رفت پیش حسن باقری! چون حسن باقری قبل از همین عملیات شهید شده بود. خلاصه، بی سیم چی حنظله دائم می گفت: برادر فلانی هم رفت پیش حسن باقری. دست آخر گفت حاج آقا، بعضی ها وارد کانال شده اند و دارند به بچه ها تیر خلاص می زنند. باطری بی سیم هم دارد تمام می شود. من هم با شما خدا حافظی می کنم. همت که به پهنای صورت اشک می ریخت و برای نجات بچه ها از آن وضعیت کاری از دستش بر نمی آمد سراسیمه گفت: ببین عزیزم؛ با من حرف بزن هر چه دلت می خواهد بگو. فقط تماس خودت را با من قطع نکن! بعد از لحظه ای بی سیم چی گفت: حاجی جان سلام ما را به امامان برسان و از قول ما به او بگو همان طور که گفته بودی، حسین وار جنگیدیم و حسین وار به شهادت رسیدیم! این را که گفت تماسش قطع شد! همت یک لحظه مبهوت به بلندگوی مرکز پیام نگاه کرد و بعد سراسیمه از قرارگاه بیرون رفت. دنبالش رفتم دیدم در آن دم غروبی رو به خوشید ایستاده و های های گریه می کند.^۱

به امید روزی که امنیت و آرامش بر تمام کشورهای عالم سایه افکند و ظالم و مظلومی در دنیا وجود نداشته باشد.

امیدوارم همه مردم عالم همیشه در طرف حق بایستند و هیچ گاه بی طرف نباشند، که بی طرفی عین کمک به جبهه باطل است.



نماهنگ امیر عید

آهنگ جدید امیر عید خواننده مصری با نام «تلك القضية» که به تجاوز اسرائیل به نوار غزه و تعصب غرب نسبت به اشغالگری می‌پردازد و اجرای آن در یک جشنواره فیلم معتبر مصری است.

این آهنگ که شعر آن توسط مصطفی ابراهیم و اجرای امیر عید سروده شده بود، چند روز پس از انتشار میلیون‌ها بازدید داشته است.^۱

۱. به گزارش خبرگزاری مهر، امیر عید، خواننده مصری، ترانه‌ای با نام «تلك القضية» در دفاع از حقوق مردم فلسطین در جشنواره فیلم «الجونه» مصر خواند که میلیون‌ها بار دیده شد. این ترانه که شعر آن توسط مصطفی ابراهیم سروده شده و با اجرای امیر عید و نوازندگی گیتار توسط وی اجرا شده است با صدایی محزون از رنجی که بر مردم فلسطین آوار می‌شود و دنیا با بهانه‌های مختلف از زیر بار آن شانه‌خالی می‌کند، می‌گوید. این ترانه توجه فعالان جهانی را که به تجاوز اسرائیل به نوار غزه و حمایت غرب از اشغالگری معترض هستند، برانگیخته است.

درحالی‌که تصویری دوگانه از مجسمه آزادی، نماد این ترانه است که در پشت سر خواننده جای‌گرفته است، خود ترانه هم خطاب به مجسمه سپید آزادی است که می‌گوید:

لاک‌پشت‌های دریایی برایش مهم است ولی انسان را حیوان می‌خواند!

این یک مسئله است، آن نیز یک مسئله است!

چگونه یک فرشته سفید هستی؟ وجدانت دو نیمه شده و از جنبش‌های آزادی‌خواهی حمایت می‌کنی درحالی‌که جنبش‌های آزادی‌خواهانه دیگر را نابود می‌کنی!

و شفقت و مهربانی خود را به مقتول برحسب نژاد تقسیم می‌کنی!

این یک مسئله است، آن نیز یک مسئله است!

چگونه یک فرد متمدد باشيم و طبق مقتضيات، همه حرف‌هاى شما را بپذيريم كه فقط بر خودتان تمرکز دارد؟!

همه درختان را در آغوش مى‌گيريد!

به جاى گفتن توانايي‌هاى متفاوت از عقب‌ماندگى مى‌گويى!

مى‌گويى نگهبانى و در كنار شما ارتشى است كه مدرسه‌ها را بمباران مى‌كند!

و خودت را با دست خونين مى‌پوشانى!

و مى‌گويى «همه جان‌ها مهم هستند»!

اين يك مسئله است، آن نيز يك مسئله است!

چگونه مى‌توانم اين دنيا را باور كنم و قتي در مورد انسانيت صحبت مى‌كند؟!

و مادري را مى‌بينم كه سر جنازه پسرش گريه مى‌كند!

زيرا او گرسنه زير حمله مرده است!

مقتول را با قاتل در شرافت، صداقت و بى‌طرفى برابر مى‌دانى!

اين يك مسئله است، آن نيز يك مسئله است!

چگونه راحت و در آرامش بخوابم و گوش‌بند بگذارم؟!

درحالى كه كسى نبايد در خطر باشد

خانواده‌اى زير آوارهاى خانه خود دفن شده‌اند!

انگار آوارى كه پشت آن‌ها ريخته،

از همان خاك نيست!

اين يك مسئله است، آن نيز يك مسئله است!

چگونه در يك زندان وسيع زندگى مى‌كنى؟!

كه سلول‌هاى آن از آتش و خاكستر ساخته شده!

و از زير آوار مثل ققنوس برمى‌خيزى!

و به گردن قاتل آويزان مى‌كنى، تكه‌هايت را!

جمع مى‌كنى، مى‌جنگى و به اين دنياى قاطع نشان مى‌دهى!

كه قانون جنگل چگونه كار مى‌كند و مى‌پرسى:

راه رفتن به سوي آزادى كجاست؟!

چگونه با دست خالى تانك را بگيرم؟!

براى دنيايى كه از آزادى حرف مى‌زند، اين مهم نيست!

آزاد بدير، در انسانيت به سر نبر!

و نسل به نسل الهام بخش باش!

و به آن‌ها ياد بده كه زندگى و مرگ براى يك هدف چگونه است!

اين چه دنيايى است كه ما التماسش مى‌كنيم؟!

و از آن مى‌خواهيم اين چيزها را نكوهش و تقبيح كند!

و چنان محكومشان كند كه تو مى‌خواهى؛

بر همه آنچه در داخل اين مسلخ مى‌گذرد!

اما گلوله‌ها كمتر سوراخ نمى‌كنند!

و اين محكوميت‌ها خورشيد صبح را باز نمى‌گردانند!

اين يك مسئله است، آن نيز يك مسئله است!

و اينجا مبارزه در جريان است!

اشعار مصطفى ابراهيم در «تلك قضيه» تحقيقى نافذ در مورد صداقت كسانى است كه در

الحکم صل علی محمد و آل محمد و علی بن محمد

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

عین نادیده گرفتن اصول انصاف و برابری، ادعای فضیلت دارند. در هسته خود، این آهنگ به عنوان گواهی طنین انداز برای سرخوردگی از جهانی است که ادعا می کند از بشریت دفاع می کند و در عین حال چشمان خود را بر اضطراب و بی عدالتی های درونی خود می بندد. ششمین دوره جشنواره فیلم «الجونه» مصر، که قرار بود اوایل پاییز برگزار شود، به دلیل تشدید نژادپرستی اسرائیل و افزایش تلفات مردمی ابتدا به تأخیر افتاد و مسئولان گفتند: تیم جشنواره «الجونه» متعهد به برگزاری این جشنواره می ماند و از این فرصت برای تقویت و توسعه موضوع مرکزی جشنواره، یعنی «سینما برای انسانیت» استفاده خواهد کرد. این موضوع وحدت و همدلی را ترویج می کند و ما مصمم به ترکیب آن در تمام فعالیت های جشنواره هستیم.

این جشنواره در نهایت در واپسین روزهای سال ۲۰۲۳ و از ۱۴ تا ۲۱ دسامبر برگزار شد. ترانه «تلک قضیه» در مراسم اختتامیه ششمین دوره جشنواره فیلم «الجونه» اجرا شد و نه تنها همبستگی خود را با فلسطین نشان داد که جهانی را متوجه این موضوع کرد.

بزرگ‌ترین مصیبتی که در تاریخ معاصر با دسیسه‌های استعمار بر امت
اسلامی وارد شده، اشغال فلسطین و قدس شریف است.

(بیانات در سومین کنفرانس حمایت از حقوق مردم فلسطین، ۱۳۸۵/۱/۲۵)



یک نفر داد زد چرا غزه
نان ما واجب است یا غزه
جنگ آن‌ها به ما چه مربوط است
خاک ایران کجا، کجا غزه
حاج قاسم، بلند شو از جا
بگو از اصل ماجرا؛ غزه
حاج قاسم بگو هدف ماییم
خورده موشک به جای ما غزه
همه کفر یک طرف هستند
تک و تنهاست با خدا، غزه
می‌زنندش به جرم آزادی
از زمین، غزه از هوا، غزه
همه ملت امام حسین (علیه السلام)
با تو هستیم هم صدا، غزه
مرگ بر واژه حقوق بشر
مرگ بر هر چه ادعا، غزه
بی‌طرف‌ها همیشه بی‌شرفند
ای شهید سکوت‌ها، غزه
السلام علیک یا مظلوم
السلام علیک یا غزه
خون مظلوم می‌کند از جا
ریشه هر چه ظلم را، غزه



مجلس شورای اسلامی ایران



جمهوری اسلامی ایران



جمهوری اسلامی ایران